

برنامه اصلاحی

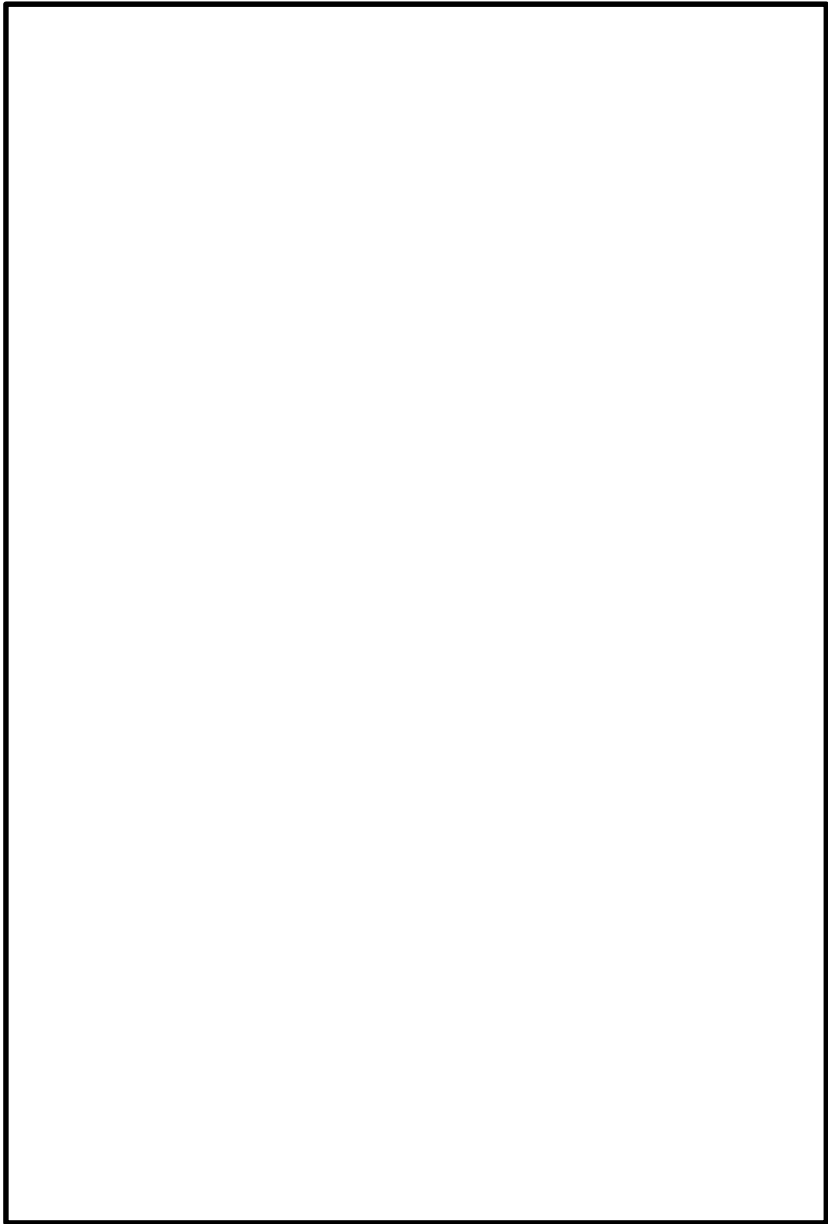
جمعیت اصلاح افغانستان

آرمانها، دیدگاه ها و مواقف

حوت ۱۳۹۶ هـ ش

چاپ دوم

با تجدید نظر و اضافات



اهداء:

به تمام آنانیکه در صدد خوشبختی و اعتلای
انسان اند و به خاطر ایجاد جامعه ای آزاد،
آباد و مرفه در کشور تلاش می نمایند.
جامعه ایکه در آن محبت و دوستی، صلح و
امنیت، اتحاد و همدلی و بالاخره عدالت و
انصاف، جای تمام نابسامانیهای کنونی را پر
کند.

و ما ذالک علی الله بعزیز

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه وبعد:

فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» {يوسف ۱۰۸}

بگو: این راه من است که من (مردمان را) با آگاهی و
بینش به سوی خدا می‌خوانم و پیروان من هم (چنین
می‌باشند)، و خدا را منزّه (از انباز و نقص) می‌دانم، و من از
گروه مشرکان نمی‌باشم

با پایان تابستان سال ۱۳۹۶ هـ ش، جمعیت اصلاح وارد
پانزدهمین سال تأسیس رسمی خویش گردید. این حرکت
اصلاحی - اجتماعی که در خزان ۱۳۸۲ هـ ش فعالیتش را
درچوکات یک سازمان اجتماعی با مرجعیت معتدل اسلامی،
آغاز نموده بود، الحمد لله به توفیق پروردگار و به حمایت بی
دریغ مردم مؤمن افغانستان، طی یک و نیم دهی گذشته
موفقیت‌های زیادی را از آن خود ساخته و دست آوردهای
بسیاری را در عرصه های گوناگون کسب نموده است. طی این
سالها، جمعیت اصلاح نه تنها هزاران فرزند متعهد و مخلص را

جهت آبادی مادی و معنوی کشور به جامعه تقدیم نموده است؛ بلکه ده ها هزار هموطن از خدمات ارزنده آن در باب تعلیم و تربیه، خدمات اجتماعی، رسانه ها و بخش صحی مستفید گردیده اند. جمعیت اصلاح برای تغییر و اصلاح جامعه، راه مبارزه و تلاش مسالمت آمیز و علنی را در پیش گرفته، سعی دارد تا از راه دعوت، فعالیتهای فکری و فرهنگی و از طریق خدمت به مردم، در آبادی مادی و معنوی افغانستان سهیم گردد.

اهداف:

هدف اساسی از تمام سعی و تلاش جمعیت اصلاح، کسب رضای الهی و رستگاری اخروی تلاش در جهت اقامه و برپایی دین مبین اسلام می باشد. مراد از اقامه دین در نزد جمعیت اصلاح این است که انسان در اموری که در دائره اختیار او قرار دارد، به رضا و رغبت خویش، نظام و حاکمیت الله متعال را چنان بپذیرد که همه کاینات، از روی فطرت پذیرفته اند.

مقصد از اقامه دین اسلام، تطبیق و اجرای بخشی از آن نه، بلکه تطبیق همه دین می باشد، چه به جانب فردی زندگی

انسان مربوط باشد، چه به جانب اجتماعی زندگی وی؛ چه نماز، روزه، زکات، وحج باشد، چه اقتصاد، اجتماع، تمدن و سیاست. زیرا هیچ جزء دین اسلام غیر ضروری نیست. مؤمن وظیفه دارد به خاطر تطبیق همه جانبه اسلام سعی و تلاش نموده، از تجزیه و تقسیم دین در میدان عمل، به گونه ای که به شماری از احکام آن عمل نماید و برخی دیگر را ترک کند، اجتناب ورزد. آن بخش احکام دین که به زندگی فردی مسلمان ارتباط می گیرد، باید در زندگی شخصی وی تطبیق شود؛ و آن بخش از احکام که مربوط به زندگی اجتماعی او می باشد، باید از طریق کار اجتماعی منظم به معرض اجراء درآید.^۱

وسائل:

جمعیت اصلاح به خاطر تحقق اهداف والای خویش از وسایل و شیوه های ذیل بیشتر استفاده می کند:^۲

الف- دعوت و تبلیغ:

منظور از دعوت و تبلیغ این است که جمعیت اصلاح،

^۱: مرامنامه جمعیت اصلاح افغانستان - ص ۱۱-۱۲

^۲: از مرامنامه جمعیت اصلاح با کمی تصرف، ص ۱۳-۱۴

اندیشه، اهداف و پیام اسلام را با استفاده از وسایل مشروع ممکن به صورت واضح به گوش ملت می‌رساند. وسایل مهم درین راستا، هفته‌های فهم قرآن کریم، دوره‌های ترجمه قرآن کریم، دوره‌های سیرت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم، سیمینارها و کنفرانس‌ها، کورسهای معارف اسلامی تشویق، و همکاری جوانان برای تحصیل و کسب تخصص_و غیره می‌باشد.

ب- سازمان دهی و تربیت:

جمعیت اصلاح، در قدم نخست به اقناع افراد نسبت به پیام و اهداف عام اسلام پرداخته و بعد از قانع شدن، ایشان را منسجم و منظم می‌کند. سپس آنان را بر اساس تعالیم اسلامی به گونه‌ای تربیت می‌کند که هر یک از آنان به شخصیت صالح و مصلح مبدل گردیده، بدون چشم داشت و امتیاز دنیوی، آمادگی هر نوع خدمت در راه آبادی وطن و تحقق آرمانهای اسلامی را داشته باشند.

ج- نصیحت و ارشاد:

منظور از نصیحت و ارشاد، تقدیم مشوره‌های سالم و سودمند برای مسؤولین و عامه‌ی مردم بر اساس فرمایش گهر

بار پیامبر علیه السلام «الدین النصیحة». است. هدف ما از ادای این مسئولیت اسلامی، عام شدن خیر و نیکی در جامعه و کاهش نابسمانی‌ها و کمبودیها می‌باشد.

د- خدمات اجتماعی:

یکی دیگر از و سایل کاری جمعیت اصلاح افغانستان، تقدیم خدمات اجتماعی به مردم از راه فعالیتهای تعلیمی، صحتی، مرفوع سازی نیازهای اولیه مردم و غیره خدمات می‌باشد. ما خدمت بندگان خدا را برای خود افتخار دانسته و دستگیری نیازمندان و بینوایان را از بهترین عبادتهای اجتماعی می‌دانیم. ما طی یک و نیم دهه گذشته با همین روحیه ایمانی و با ادای رسالت اجتماعی در جهت شگوفایی مادی و معنوی جامعه ی خود کوشا بوده ایم.

الحمد لله طی سالهای گذشته برنامه های جمعیت اصلاح به شکل متوازن در تمام افغانستان از شمال گرفته تا جنوب و از شرق تا غرب افغانستان تدویر یافته و هموطنان ما از تمام اقوام و گروههای اجتماعی بدون تبعیض از خدمات ما مستفید شده اند. از خلال این برنامه ها، تعداد زیادی از هموطنان گرامی با پیام جمعیت اصلاح آشنا گردیده و بر ما و برنامه

های ما اعتماد کرده اند. بر اساس همین اعتماد قلبی حالا مردم از جمعیت اصلاح می خواهند تا برنامه های خود را بیشتر و تفصیلی تر برای ایشان معرفی کند؛ چرا که همه مردم شریف ما حق دارند تا بدانند که ما کی هستیم و برای چی مبارزه می کنیم؟ مواقف ما چیست و برای آبادی افغانستان در آینده چه برنامه ای داریم؟ همچنان جوانان با احساس و نخبه گان این کشور همیشه از ما سوال های مطرح می سازند و آرزو دارند تا دیدگاه ما را در مورد قضایای گوناگون کشور بدانند.

روی همین ضرورت چاپ نخست جزوه ای تحت عنوان "برنامه اصلاحی جمعیت اصلاح افغانستان" همزمان با سیمینار سرتاسری "به سوی افغانستان باثبات و سربلند" در ماه اسد ۱۳۹۶ همزمان با سالروز استرداد استقلال کشور، انتشار یافت که بزودی نسخه های آن نایاب گردید. اینک چاپ دوم برنامه اصلاحی بعد از بازخوانی و اضافات جدید، جهت استفاده هموطنان گرامی به نشر رسانیده می شود.

امیدواریم این طرح فشرده، وسیله ای باشد جهت شناخت بهتر جمعیت اصلاح افغانستان، دیدگاه ها و مواقف آن و سبب گردد تا روابط ما با طیف های مختلف جامعه بیش از پیش

تقویت گردد. بدون شک کمال از آن الله جل جلاله می باشد، بنابراین خوشحال می شویم اگر بازهم خوانندگان فرهیخته، در خلال مطالعه این طرح نواقص و نارسایی هایی را که مشاهده می کنند، حتماً یاد آوری کنند تا در چاپهای بعدی در نظر گرفته شود.

از الله متعال عاجزانه می خواهیم تا هرچه زود تر صلح و امنیت را به وطن جنگ زده ی ما باز گرداند، تا تمام جریانات وطن دوست و افراد مخلص این وطن، دست به دست هم داده تلاشهای شانرا در راه آبادی و اعتلای کشور بسیج نمایند، تا در نتیجه کوششهای ابنای وطن، کشور محبوب ما افغانستان آزاد، آباد و صاحب عزت و شوکت حقیقی در جهان گردد.

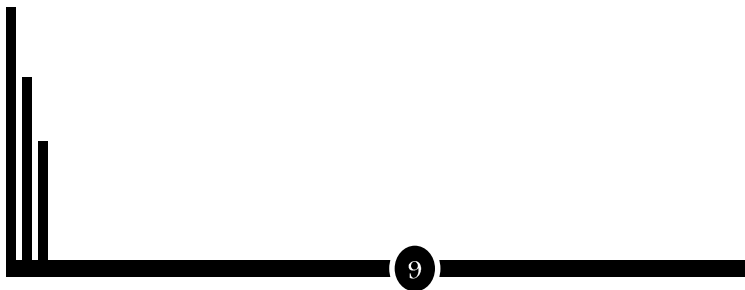
والله المستعان

نصیر احمد نویدی

رئیس شورای مرکزی

جمعیت اصلاح افغانستان

۳ حوت ۱۳۹۶ هـ ش - کابل



بنیاد های فکری اصلاح

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی سیدنا محمد المبعوث رحمة للعالمین، وعلی إخوانه من النبیین والمرسلین، وعلی آله و أصحابه وتابعیهم، إلى یوم الدین.

تصور تمدنی فراگیر جمعیت اصلاح افغانستان از یک ایمان مطلق و بی قید و شرط به این اصل، ریشه می گیرد که: هیچ نظامی در دنیا همانند اسلام، نمی تواند زمینه رشد و تربیت ملت های پویا و شکوفا را بر اساس، نظم، اخلاق عواطف و احساسات انسانی، مساعد کند؛ زیرا دینی را که خداوند متعال به حیث نظام زندگی برگزیده و محمد صلی الله علیه وسلم را به عنوان الگوی نیکو و کامل تطبیق این برنامه انتخاب کرده است، تا مردم به او اقتدا کنند، یک دین همه جانبه و استوار است که تمام اصول و اساسات لازم برای زندگی انسانی امت ها و شگوفایی و سعادت بشریت را در بر دارد؛ چنانچه الله می فرماید:

{الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ} [الأعراف: ١٥٧]

(کسانی که پیروی می‌کنند از فرستاده‌ی (خدا محمد مصطفی) پیغمبر اُمّی که (خواندن و نوشتن نمی‌داند و وصف او را) در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند. او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد، و پاکیزه‌ها را برایشان حلال می‌نماید و ناپاکها را بر آنان حرام می‌سازد و فرو می‌اندازد و بند و زنجیر (احکام طاقت‌فرسا) را از (دست و پا و گردن) ایشان به در می‌آورد. پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند، و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است، بیگمان آنان رستگارند.)

ما معتقدیم که اسلام سرشار از تمام آموزه‌ها و رهنمودهای حیات بخشی است که امت‌ها برای بیداری و ایجاد تمدن و تربیت نسل‌های خلاق و مبتکر به آن نیاز دارند از جمله:

اول- عنصر امید و اعتماد به نفس؛ قرآن کریم چراغ امید را به گونه‌ای در قلوب پیروان خود روشن می‌سازد که از امت‌های مرده و بی‌جان، امتی سراسرزندگی، نشاط، همت، عزم، اراده و حرکت و اعتماد به نفس بار می‌آورد؛ همین کافی

است که یأس و ناامیدی را راهی به سوی کفر، می‌داند. برای ثبوت این مدعا آیات کریمه زیر را تلاوت می‌کنیم:

{وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵) وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ {
[القصص: ۵-۶]}

(می‌خواهیم که به ضعیفان و ناتوانان منت گذاریم و ایشان را پیشوایان و وارثان (حکومت و قدرت) سازیم. و آنها را در زمین تمکن (و حکومت) دهیم.)

{وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۳۹) إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ} [آل عمران: ۱۳۹، ۱۴۰]

(و سست نشوید و اندوهگین نگردید و شما برتر هستید اگر مؤمن باشید. اگر (در روز احد) به شما زخم و آسیبی می‌رسد، برآستی به آن گروه (کافرنیز در روز بدر) زخم و آسیبی همانند آن رسید و این روزهای {شکست و پیروزی} را در میان مردم می‌گردانیم و تا خداوند افرادی که (واقعاً) ایمان آورده‌اند، معلوم بدارد، و از میان شما شاهدانی بگیرد، و

خداوند ستمگاران را دوست نمی دارد).

دوم - احساس عزتمندی به امت خویش به حیث امت برتر و باعزت؛ دارای تاریخ و ویژگی‌های برازنده، تا این احساس در قلب‌ها و اذهان فرزندان اسلام زنده و بیدار بماند. تا در راه حفاظت از این مجد و عظمت جان‌های خویش را فدا کنند و به خاطر سعادت و سربلندی وطن خویش تلاش و جانفشانی نمایند. الله متعال می‌فرماید:

{كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ} [آل عمران: ۱۱۰]

(شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید).

{وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا} [البقرة: ۱۴۳]

(و همچنین شما را امت میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید، و پیامبر هم بر شما گواه باشد).

{وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ} [المنافقون: ۸]

(عزت و قدرت از آن خدا و فرستاده‌ی او و مؤمنان

است، ولیکن منافقان (این را درک نمی‌کنند و) نمی‌دانند).
سوم- آمادگی و نیرومندی؛ زیرا ملت‌هایی زنده و در
حال رشد به نیرو و قوتی نیاز دارند که مزین با جوهر ایمان و
عدالت باشد، و باید فرزندان امت با ویژگی‌های یک سرباز
آراسته باشند؛ زیرا قوت بهترین تضمین‌کننده دستیابی به حق
است.

{وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ} [الأنفال: ۶۰]

(برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی
و معنوی) و (از جمله) اسبهای ورزیده آماده سازید، تا بدان
دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید...).

الله عزوجل جهاد را بر مسلمانان فرض کرده است نه به
این خاطر که وسیله تجاوز بر دیگران و به دست آوردن
خواسته‌های شخصی آنان باشد، بلکه به خاطر حمایت از ملت و
تضمین ادای رسالت انسانی، فرض شده است که بار سنگین
آن را شخص مسلمان به دوش می‌کشد، رسالتی که وسیله
هدایت مردم به سوی حق و عدالت است.

یکی از مراتب مهم جهاد، امر به نیکی و نهی از بدی و

نصیحت و خیرخواهی به خاطر الله و رسول او می‌باشد. دعوت به سوی الله متعال با حکمت و اندرز نیکو، قطع همکاری با کسانی که آشکارا با اسلام و مسلمانان دشمنی می‌کنند، مبارزه به خاطر برپایی عدالت و اصلاح امور انسان‌ها، کوتاه کردن دست تجاوزگران و ظالمان، حمایت از مظلومین، و غیره اموری که انسانیت را پاسداری می‌کند، مراتب مختلف جهاد را تشکیل می‌دهند و اگر شخصی در یکی از این مراتب داخل و شامل شده نمی‌تواند، حد اقل کسانی را که این مسئولیت بزرگ را به دوش دارند، دوست داشته و آنان را نصیحت کند.

چهارم- تنها قوت بازو و سلاح برای شگوفایی و عروج امت‌ها کفایت نمی‌کند، بلکه در کنار آن، نیاز به علم و دانش نیز می‌باشد تا این قوت را تحت کنترل داشته و به بهترین صورت استعمال و رهبری نماید و اکتشافات جدید و اختراعات متنوع را در تمام بخش‌ها در اختیارش قرار دهد.

{اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ
(۲) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ} [العلق: ۱-۶]

(ای محمد! بخوان چیزی را که به تو وحی می‌شود).
 بخوان به نام پروردگارت. آن که (همه‌ی جهان را) آفریده
 است. انسان را از خون بسته آفریده است. بخوان! پروردگار تو
 بزرگوارتر و بخشنده‌تر است همان خدائی که به وسیله‌ی قلم
 (انسان را تعلیم داد) بدو چیزهائی را آموخت که نمی‌دانست).
 {قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا
 يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ} [الزمر: ۹]

(بگو: آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند،
 برابر و یکسانند؟! (هرگز)، تنها خردمندان پند و اندرز
 می‌گیرند).

پنجم - امت‌ها در راستای ترقی و شگوفایی خویش نیاز
 مبرم به اخلاق قوی و متین، نفس پاکیزه، شخصیت بزرگوار و
 با همت دارند. زیرا در این مسیر با خواسته‌های عصر جدید -
 عصر نهضت - مواجه می‌گردند که دستیابی به این خواسته‌ها
 جز از طریق اخلاق متعالی و راستینی که برخاسته از ایمان
 استوار و راسخ، فداکاری‌های بزرگ و صبر و شکیبایی
 شکست ناپذیر باشد، ناممکن است.

{قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا}

[الشمس: ۹-۱۰]

(محققاً هر کس نفس خود را تزکیه (و پاک کرد)،
رستگار شد. و یقیناً هر کس که آن را (با گناه) آلوده ساخت،
ناامید (و زیانکار) شد).

{إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ} [الرعد: ۱۱]

(بی گمان خداوند حالت {و سرنوشت} هیچ قوم را
تغییر نمی دهد، تا وقتی که آنان آنچه که در ضمیر شان است،
تغییر دهند).

ششم - امت های متمدن بیشتر از هر چیز دیگری به تنظیم
امور اقتصادی، که در عصر حاضر مهم ترین قضیه را در زندگی
انسان ها تشکیل می دهد، نیاز دارند. اسلام در این رابطه می
فرماید:

{وَلَا تُؤْثِرُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا} [النساء: ۵]

(و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام {زندگی}
شما قرار داده است، به سفیهان {و کم خردان} ندهید).
رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«نَعَمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ» ۳.
(چه خوب است مال پاکیزه و خوب در دست انسان
صالح قرار گیرد).

هفتم - نظام زندگی برای فرد، خانواده، امت، مردم،
حکومت و روابط بین امت‌ها.

اسلام برای همه عرصه‌های زندگی برنامه و نظام معرفی نموده
است. که نیاز انسان را برای برپا داشتن نظام عادلانه و جامعه
پیشرفته و آراسته به رفاه و آرامش، از فرد گرفته تا جامعه بین
المللی برآورده می‌سازد.

۳- مسند احمد و غیره از عمرو بن عاص.

بنیادهای طرح اصلاحی ما

امت اسلامی امت معتدل و امت برگزیده ی الله متعال است که به رهنمایی انسان ها و رسانیدن خیر به تمام بشریت مأمور گردیده است. این امت در خود تمام بنیاد هایی معنوی ای را دارد که به خاطر نهضت و شگوفایی ملت ها ضروری می باشد و ما مجبور نیستیم در رابطه به بنیاد ها و اساسات، از امت های دیگر، چیزی را به عاریت بگیریم. مهمترین بنیاد های طرح تمدنی ما عبارت از: اسلام، عدالت، آزادی و مساوات است که به شرح آن می پردازیم:

اول - اسلام:

اسلام در طول تاریخ امت اسلامی، با فیوضات نظری و عملی خویش شخصیت این امت را تکوین بخشیده و هویت آن را شکل داده است و مبانی و قوانین روانی، عقلی و عملی این شخصیت را بنا نهاده است. به همین اساس ارزش ها و مقررات جوامع مختلف اسلامی با هم هماهنگ گردیده و در ضمیر اکثریت مطلق فرزندان این امت معیارهای شناخت حق و باطل، خیر و شر، خوبی و بدی، صواب و خطاء به صورت یکسان شکل می گیرد.

اسلام آخرین دین آسمانی است که الله عزوجل آن را برای بندگان برگزیده است. لذا این دین بر تمام شئون حیات انسانی حاکم بوده و امور جامعه را در جوانب رفتار فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره تنظیم می‌نماید. لذا مؤمنان واقعی، اسلام را به حیث نظام حیات پذیرفته و حلال آن را حلال و حرام آن را حرام می‌دانند، به اوامر آن پایبند بوده و به رهنمایی‌های آن عمل می‌کنند و برای حل اختلافات و مشکلات شان قضاوت را به آن می‌سپارند و با استفاده از احکام آن به حل مشکلات خویش اقدام می‌کنند و بالاخره با پیروی و حرکت مطابق راه و رسم اسلامی سعادت دنیا و آخرت را کسب می‌نمایند.

{فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى} [طه: ۱۲۳]

(و هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد، هر که از هدایت و رهنمودم پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد).

جمعیت اصلاح معتقد است که اسلام نظامی فراگیر است و تمام جوانب زندگی را در بر می‌گیرد. ما معتقدیم اولین ستونی که امت اسلامی بر آن استوار می‌گردد عقیده اسلامی

است؛ عقیده ای که شخصیت انسان را می‌سازد و از سقوط وی در خرافات جلوگیری می‌کند؛ عقیده‌ای که انسان‌ها را متفرق نمی‌سازد بلکه آنان را دور هم جمع می‌کند؛ عقیده‌ای که میراث تمام رسالت‌های آسمانی است و بر مبنای ایمان بر تمام انبیای کرام علیهم‌السلام بنا یافته است.

{لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ} [البقرة: ۲۸۵]

(میان هیچ یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم)

این عقیده عنوان گسترده و شعار پر محتوایی دارد که اسلام از آن این گونه تعبیر می‌کند: «لا إله إلا الله، محمد رسول الله».

پس هیچ نوع عبودیت و تسلیم شدن و سرخم کردن در برابر هیچ قدرتی غیر از الله متعال جایز نیست. و هیچ حکمی غیر از حکم الله جل جلاله و هیچ امری غیر از امر الله عزوجل به صورت مطلق قابل قبول نمی‌باشد. و هر نوع دوستی جز برای الله و به خاطر الله مردود است.

{قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ} [آل عمران: ۶۴]

(بگو: ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نسازیم، بعضی از ما بعض دیگری را به جای خدا به خدایی نگیرد).

ما ایمان داریم که مصدر اول عقیده و شریعت اسلامی، مصدر اخلاق و ارزش‌های آن، و مصدر مفاهیم و معیارهای آن قرآن کریم است؛ کتابی که باطل از هیچ طریقی به آن راه نمی‌یابد؛ کتابی که الله عزوجل آن را واضح و آسان توصیف نموده و آن را از هر نوع تحریف و تغییر محفوظ داشته است؛ کتابی که به زبان عربی مبین نازل گردیده و دارای مضمون و پیام جهانی است.

ما ایمان داریم که سنت نبوی مصدر دوم اسلام بعد از قرآن کریم می‌باشد، که مصدر اساسی برای تفسیر قرآن کریم است. سنت از نظر ما تمام آن اقوال، افعال و تقریراتی است که از پیامبر معصوم صلی‌الله‌علیه‌وسلم با سند مقبول روایت شده است.

{قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ

إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ} [النور: ۵۴]

(بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید. اگر سرپیچی کردید و روی گردان شدید، بر او (پیغمبر) انجام چیزی واجب است که بر دوش وی نهاده شده است. و بر شما هم انجام چیزی واجب است که بر دوش شما نهاده شده است؛ اما اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید یافت. بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ روشن و تبلیغ آشکار نیست)

{قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} [آل عمران: ۳۱]

(بگو: اگر خدا را دوست می دارید، پس از من پیروی کنید، تا خدا شما را دوست بدارد، و گناهان تانرا برایتان بیاموزد و خداوند آموزنده مهربان است).

به باور جمعیت اصلاح یکی از اصول قابل اعتماد برای فهم اسلام اینست که قرآن کریم و سنت مطهر در شناخت احکام، مرجع هر مسلمانی است. قرآن بر پایه قواعد زبان عربی، به دور از تکلف و تأویل، تفسیر شود؛ و در فهم سنت مطهر نیز به علمای حدیث مورد اعتماد مراجعه گردد.

ما معتقدیم که اسلام برخلاف مسیحیت تحریف شده،

طبقه ای را به نام رجال دین به رسمیت نمی‌شناسد و نه هم گروهی برسمیت شناخته شده که دین را در احتکار خود گرفته و بر ذهن و ضمیر مردم حاکم باشد و خود را میان الله و بندگان الله به عنوان واسطه معرفی نماید، بلکه تمام مسلمانان رجال دین خویش محسوب شده و به کسی ضرورت ندارند که میان آنان و پروردگارشان وساطت نماید. علمای دین در اسلام انسان های آگاه و صاحب تخصص و قابل احترام می‌باشند که مردم برای فهم مسایل دینی به آنان مراجعه می‌کنند، چنان‌چه در مسایل دیگر به سایر دانشمندان و اهل تخصص مراجعه می‌شود.

{ فَاسْأَلْ بِهِ خَيْرًا } [الفرقان: ۵۹]

(از کسی بپرس که آگاه است).

{ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ } [النحل: ۴۳]

(پس ازای مردم اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید).

و هر مسلمان حق دارد که با سعی و تلاش خویش و با آموزش علوم دینی و کسب تخصص در این رشته‌ها عالم دینی شود، اما هیچ کسی به وسیله وراثت و القاب میراثی به این مقام رسیده نمی‌تواند. پس اسلام آن تقسیم بندی وارداتی را

نمی‌شناسد که افراد و مؤسسات را به دینی و غیر دینی تقسیم می‌کند. بنابراین هیچ نوع تقسیم‌بندی به عنوان دینی و غیر دینی میان مردم، تعلیمات، قوانین و مؤسسات وجود ندارد، بلکه باید تمام اینها در اطاعت از الله متعال و خدمت انسان قرار گیرند.

شریعت اسلامی یک شریعت همه‌جانبه بوده و از سوی پروردگار جهان نازل شده است تا رابطه بین انسان و پروردگارش، رابطه وی با نفس، خانواده، جامعه و امت بزرگش و در نهایت رابطه وی با تمام بشریت و حتی رابطه وی با کاینات را تنظیم و مستحکم نماید.

شریعت اسلامی، در واقع وحی الهی است که در قالب قرآن کریم و سنت صحیح نبوی به دسترس ما قرار گرفته است.

و فقه از نظر ما عبارت از استعمال عقل مسلمان است که از طریق اجتهاد، تفکر و استنباط ضابطه مند با معیارهای شرعی، عقلی و لغوی برای دریافت احکام عملی از قرآن و سنت به کار گرفته می‌شود. اصل در عبادات، تعبد و عمل کردن به نص می‌باشد، بدون توجه به علل و حکمت‌های آن؛

اما اصل در عادات و معاملات این است که در علل، معانی و مقاصد آن دقت گردد.

شریعت اسلامی عبارت از نصوص، مقاصد، قواعد و مبانی کلی است که بنیاد زندگی با کرامت انسانی را پی ریزی می‌کند، بدون این که کسی را در مشقت بیاندازد و یا بر کسی فشار آورد. هدف از این اصول و مقاصد ساختن جامعه آراسته به عدالت و نیکویی در تمام عرصه‌های زندگی اعم از اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد که بر مبنای اصل «جلب منافع و دفع اضرار» و بر اساس ضوابط شرعی و اصول ثابت آن صورت می‌پذیرد.

شریعت اسلامی در مفهومی که ما از آن داریم، متصف به برتری، کمال و دوام است. یعنی شریعت الهی در مبانی و ویژگی‌های خود بلندتر و متعالی‌تر از هر فکر بشری و برتر از تمام تجارب انسانی قرار دارد که در طول زمان و در اماکن مختلف انجام شده است؛ هرچند این تجارب تا آخرین حد ممکن پُر بار، متعدد و متنوع باشند. شریعت اسلامی به صفت کمال متصف است، یعنی هیچ نوع نقص و کمبودی در آن وجود ندارد. از صفت دوام برخوردار است، یعنی شریعت

اسلامی دارای اصول ثابت بوده و هیچ تغییری در آن راه ندارد. شریعت الهی همیشه مقدم‌تر از فکر انسانی قرار دارد، به خصوص در بخش اصول و قواعد عمومی؛ یعنی فکر انسانی را - هرچند طویل و عریض باشد- در تمام مراحل آن رهبری و رهنمایی می‌کند.

از نظر اسلام مجازات و عقوبت اولین عامل در جلوگیری از جرمه و جنایت به شمار نمی‌رود، بلکه وقایه جامعه از جرایم با مهار کردن علل و اسباب آن و تربیت نسل‌ها بهترین راه علاج به حساب می‌آید. و وقایه همیشه بهتر از تداوی است. اجتهاد یکی از فرض‌های کفایی بر امت است که باید مدارس و انستیتیوت‌های ویژه و مجهز با وسایل جدید، و مراجع علمی را برای آماده سازی علمای مجتهد تأسیس نماید. اما باب اجتهاد فقط برای اهل آن و در محلش باز می‌باشد. اهل اجتهاد کسانی‌اند که شروط و آمادگی‌های اساسی را که فقها و علمای اصول فقه بر آن اتفاق نظر دارند، دارا باشند. و محل اجتهاد احکام ظنی است، یعنی احکامی که در ثبوت و یا دلالت خود و یا در هر دو (ثبوت و دلالت) ظنی باشند.

اما در احکام و نصوص قطعی هیچ مجالی برای اجتهاد وجود ندارد؛ زیرا آن ها احکام ثابتی اند که وحدت اعتقادی، فکری، وجدانی و سلوکی امت را حفظ می نمایند.

مسلمانان در هر جایی که باشند در مجموع امت واحد به حساب می آیند، امتی که الله را به حیث پروردگار، اسلام را به حیث روش زندگی، محمد صلی الله علیه و سلم را به حیث پیامبر و قرآن کریم را به حیث امام و رهنمای خویش می پذیرند و اخوت ایمانی آنان را دور هم جمع می کند.

{إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ} [الأنبياء: ۹۲]

(بی تردید این امت شما امتی یگانه است، و من پروردگار شما ام، پس مرا پرستش کنید)

{إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ} [الحجرات: ۱۰]
(یقیناً مؤمنان برادر اند)

امت اسلامی، امت میانه روی است که دارای عقیده و رسالت بوده و مسئولیت رساندن این عقیده و رسالت را برای تمام بشریت با وجود اختلاف نژاد، وطن، زبان و غیره به عهده دارد و مختص به هیچ نژاد، سرزمین و زبانی نمی باشد. رسالت

و پیام امت اسلامی ربانی، انسانی و اخلاقی بوده و خلاصه آن چنین است:

۱- ایمان به الله واحد: یعنی غیر از الله هیچ کس را پروردگار خود ندانی، و غیر از او برای خود سرپرست و کار سازی نگیری، و کسی را جز او حاکم و فرمانروای خویش نشناسی.

۲- دعوت مردم به سوی حق: خیر و ارزش‌های متعالی از طریق قیام به فریضه امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها استوار است.

«الله عزوجل ما را بر انگيخته است تا مردم را از عبادت بندگان رهانیده، به عبادت پروردگار بندگان رهنمایی کنیم، و از تنگی دنیا نجات بخشیده، به وسعت آن برسانیم، و از ظلم ادیان نجات داده به عدل اسلام رهنمون شویم».^۴

دوم- عدل:

عدل سنت و قانون الهی در کاینات بوده و الله عزوجل آسمان‌ها و زمین را بر اساس عدل برپا کرده است. هیچ تمدن و آبادانی ای جز بر پایه عدل اقامه نمی‌شود. استقرار دولت‌ها و

۴- این سخنی بود که ربیع بن عامر به رستم فرمانده ارتش ایران گفته بود.

گسترش قدرت آن ها فقط به وسیله عدل امکان پذیر می شود. هدف الله جل جلاله از نازل نمودن کتاب ها و بعثت پیامبران علیهم السلام با دلایل آشکار این بوده است که روابط مردم بر مبنای عدالت و داد تنظیم شده و در میان شان بر اساس انصاف حکم شود.

عدالت جوهر شریعت اسلامی و یکی از اسباب نزول آن است؛ یعنی شریعت اسلامی نازل شده است تا جامعه بر اساس عدل و مساوات در میان تمام ابنای بشر اعم از حاکم و محکوم و مسلمان و غیرمسلمان بنا نهاده شود.

برپایی عدالت جز از طریق ضمانت آزادی، تکافل اجتماعی و مساوات و پابندی به اصل شورا ناممکن است، و آزادی و مساوات در مستوای نظری، تنظیمی و عملی جز بر اساس عدل اقامه نمی گردد. به وسیله عدالت است که توازن بین مصالح افراد و جوامع تحقق می یابد و صلاح حکومت تضمین می شود، و عدل است که اجازه نمی دهد حکومت به ارگانی تبدیل شود که بر ضد ملت خود عمل نماید.

برپایی عدالت یک وظیفه عملی بوده و بر تمام افراد جامعه واجب است تا وسایل تحقق عدالت، منع ظلم و از بین

بردن تجاوز را ایجاد و حفاظت نمایند، به گونه‌ای که افراد جامعه را دوستدار اساسات عدالت و ارزش‌های انسانی تربیت نمایند؛ طوری که هر فرد در راه تحقق عدالت در میان مردم حاضر به فداکاری و جان‌نثاری باشد، و نظام حکومت را بر اساس عدل ایجاد نمایند به گونه‌ای که هیأت حاکم به نمایندگی از مردم در راستای تحقق عدالت هیچ نوع کوتاهی و سهل‌انگاری ننماید.

تحقق عدالت به مفهوم شامل و همه‌جانبه آن، آرمانیست متعالی که فقط و فقط از طریق پابندی کامل به شریعت الهی و پیروی از رهنمودهای اسلام در تمام بخش‌های زندگی نهادینه می‌شود.

سوم - آزادی:

الله عزوجل انسان را همراه با اراده آزاد آفریده و این قدرت را به او داده است تا از آراء و افعال، آنچه را می‌پسندد، اختیار نماید. پس آزادی جزء فطرت انسان است و انسان باید از تمام قید و بندها رهایی یافته و تنها در بند فرمان الله یگانه باشد و در برابر هر نوع تعدی و تجاوز مقاومت نموده و دیگران را در این راه کمک کند.

اسلام تجاوز بر آزادی انسان و کاستن از اهمیت آن را نوعی مقابله با اراده خالق لایزال قلمداد می‌کند و بر حکام و مسئولین امور واجب گردانیده است تا آزادی اتباع کشور را حفاظت نمایند و فضایی را ایجاد کنند که هر تبعه‌ی کشور به سوی بهترین نوع آزادی و مقابله با تمام فشارهای اجتماعی رهنمایی شود.

پس آزادی به این مفهوم یک ارزش متعالی و یک اصل عام است که تمام جوانب زندگی انسان را در بر می‌گیرد و در اعماق ضمیر و آگاهی و درک او ریشه دوانیده وی را انسان آزاده‌ای می‌سازد که همانند خود به دیگران نیز حق آزادی و حریت را قایل می‌شود. این آزادی مطلق بوده و جز مبادی شریعت، احکام و ارزش‌های دینی هیچ قید و بند دیگری را نمی‌پذیرد.

یقیناً احترام به آزادی‌ها ضرورت حیاتی و شرط لازم برای رشد توانمندی‌ها و ابتکارات بشر بوده و انسان را به سوی دستاوردهای بیشتر سوق می‌دهد و در نهایت زمینه‌های اصلاح و شرایط بیداری بشریت را فراهم می‌سازد.

چهارم - مساوات:

مساوات در بین انسان ها بر اساس اصل و مبدأ وحدت انسانی مطرح می‌شود؛ یعنی مردم فرزندان آدم اند و آدم علیه‌السلام از خاک آفریده شده است؛ و جوهر این مساوات، برابری در برابر قانون بین افراد جامعه می‌باشد. انسان ها اعم از فقیر و غنی و حاکم و محکوم، در برابر قانون و قضا با هم مساوی اند و هیچ تمایزی در میان‌شان بر مبنای نژاد، جنس، رنگ، وظیفه، مذهب و جایگاه اجتماعی وجود ندارد.

ما در ارائه طرح تمدنی خویش در میدان خالی قرار نداریم و نه قصد داریم ملتی را از عدم به وجود آوریم، بلکه ما بر چنان میراث ارزشمند اجتماعی اتکاء داریم که عمر آن هزار و چهارصد سال است. درست است که در این میراث به علت تحریف ها و تفسیرات نادرست وعدم پابندی به منهج تحقیق علمی، کم و بیش خلل‌هایی وارد شده، اما با وجود آن هم همین میراث گران‌بها می‌تواند اساس نیکو و استواری برای اجتهادات امروزی ما به حساب آید.

از اساسی ترین باور های ما این است که حکمت گمشده مؤمن است، هرچند مشارکت ما در بنای تمدن انسانی زیاد

باشد یا اندک، ما معتقدیم که فرهنگ امت‌ها و تجارب مردم و دستاورد های مادی و معنوی تمدن‌های انسانی می‌تواند مصدر غنامندی پروژه تمدنی ما قرار گیرد.

«فَالْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ أَنَّى وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ النَّاسِ بِهَا». ۵

(حکمت گمشده مؤمن است هر جای آن را بیابد سزاوارترین شخص به آن می‌باشد).

اما استفاده از این دستاوردهای تمدنی همیشه استوار بر ضوابط شرعی خواهد بود.

ضوابط زیست باهمی

جمعیت اصلاح معتقد است که قواعد زندگی باهمی در جامعه سه چیز است:

اول- احترام به دیگران:

تمام افراد جامعه نمی توانند هم فکر و یکسان باشند و تفاوت‌های فکری، فرهنگی و سلیقوی در میان افراد یک جامعه واحد امر طبیعی می باشد. یک جامعه سالم فقط از راه زیست باهمی و احترام متقابل افراد آن می تواند به پیش برود. احترام به دیگران، اعتراف به حقوق آن ها و تعامل نیک و انسانی با ایشان نزد ما مسئله پذیرفته شده بوده و قابل مناقشه نمی باشد.

ما همزیستی مسالمت آمیز در جامعه را یکی از ضوابط و پایه های اساسی برای قوام زیست همگانی در جامعه دانسته و خود را پابند به آن می دانیم.

دوم- اخلاق نیکو:

اخلاق در نظر اسلام از ارزش های مطلق و تغییرناپذیر است. این ارزش ها از اختلاف دینی عقیدتی و فکری و سایر اعتبارات متأثر نمی گردد. پایبندی به اخلاق نیکو و پسندیده

برای یک مسلمان تنها در برابر کسانی نیست که دوست شان دارد، و نه هم فقط برای تعامل با خانواده، اقوام، و هم‌کیشان می‌باشد؛ بلکه اخلاق چوکات تعامل مسلمان با تمام انسان‌ها است. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم چنین تعاملی داشتند، ایشان با مشرکین مکه و یهود مدینه نیز بر مبنای اخلاق نیکو برخورد می‌نمودند. حتی بزرگ‌ترین صفتی که قرآن کریم از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم نقل می‌کند، این است که می‌فرماید:

{وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ} [القلم: ۴]

(و یقیناً تو دارای محمدی اخلاق و خوی بسیار عظیم و والایی هستی)

باور ما این است که زندگی اجتماعی، بدون موجودیت اخلاق ثابت و مستحکم نمی‌ماند، و اخلاق از دیدگاه ما ارزشی است که از دین و رسالت آسمانی سرچشمه می‌گیرد.

سوم – تعاون و همکاری:

تعاون و همکاری جوهر دینداری است. اگر مردم به خاطر تأمین مصالح مشترک شان با هم تعاون و همکاری نداشته باشند در آن صورت زندگی اجتماعی دوام پیدا نمی‌کند. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم افراد یک جامعه را به

سرنشینان یک کشتی بزرگ تشبیه نموده و می‌فرمایند:
 (مثال کسانی که حدود الله را رعایت می‌کنند و آنانی که رعایت نمی‌کنند، مانند سرنشینان یک کشتی است که برای سوار شدن در آن قرعه کشی می‌نمایند. در نتیجه بعضی در طبقه بالا و تعدادی در طبقه پایین قرار می‌گیرند. ساکنان طبقه پایین، برای بدست آوردن آب، به طبقه بالا، رفت و آمد می‌کنند. سپس با یکدیگر مشورت نموده و می‌گویند: مزاحم ساکنان طبقه بالا نشویم. بهتر است در سهمیه خودمان [طبقه پایین کشتی] سوراخ کنیم [و مستقیماً از آب دریا استفاده نماییم] و باعث اذیت و آزار افراد طبقه بالا نشویم. اگر ساکنان طبقه بالا، آن‌ها را برای اجرای تصمیم‌شان آزاد بگذارند، همه غرق خواهند شد؛ ولی اگر مانع آنان شوند، همه نجات خواهند یافت) (صحیح البخاری از نعمان بن بشیر رضی الله عنه)

همه ما در این جامعه زیر یک سقفی بنام وطن، زندگی می‌کنیم و هر عملی را که یک عده از افراد جامعه انجام دهند حتماً بر دیگران نیز اثر می‌گذارد؛ لذا تفاهم و همکاری میان افراد جامعه نهایت ضروری است؛ زیرا اگر فساد در جامعه

پیدا شود ضرر آن متوجه همگان می‌شود و اگر ارزش نیکی در جامعه نهادینه گردد همه از آن مستفید می‌شوند.

قضایا و مواقف

دیدگاه ما در مورد حکومت و حکومت داری

حکومت رکنی از ارکان دین اسلام است و رسول الله صلی الله علیه و سلم حکومت را یکی از حلقه های اسلام بر شمرده اند، و در کتاب های دینی ما، قضیه ی زعامت و نصب خلیفه در بخش عقاید و اصول آمده است، نه در بخش فروع و مسایل فقهی.

ما خود را دعوتگران الی الله می دانیم که با حکمت و اندرز نیکو مردم را به سوی دین الله فرا می خوانیم که تطبیق شریعت الهی و قرار گرفتن افراد صالح در رأس امور مسلمانان از مقتضیات آن است.

جمعیت اصلاح به تشکیل حکومت و رسیدن به زعامت ملی از طریق راه های قانونی و مسالمت آمیز، مطابق به احکام قانون اساسی و قوانین نافذۀ کشور باورمند است و هرگونه کوشش به خاطر دست یابی به حکومت از طریق نا مشروع را، مردود می داند.

احراز مناصب حکومتی هدف اساسی جمعیت اصلاح نمی باشد اما اگر از طریق اعتماد ملت و ضمن انتخابات آزاد،

پاکیزه و شفاف زمام امور به آن به شکل جزئی یا کلی سپرده شود، آن را کنار نمی‌گذارد و خواهد کوشید تا قدرت را وسیله خدمت به مردم و حمایت از ارزشها قرار دهد. به صورت عموم، حکومت و مسئولیت از نظر ما امانت و تکلیف است نه وجاهت و امتیاز.

بنابراین حکومتی که ما خواهان آن هستیم حکومتی مدنی دارای مرجعیت اسلامی است؛ به این معنا که نظام سیاسی آن بر شورای ملزم اتکاء دارد امور بخشهای گوناگون توسط متخصصین هر بخش اداره می‌شود و رجال دین در آن سلطه و قدرت فوق العاده‌ای ندارند. این حکومت عدالت را برپا می‌دارد، آزادی‌های عمومی را محافظت می‌کند، تعدد سیاسی و انتقال مسالمت آمیز سلطه را می‌پذیرد، از دارایی‌های عامه محافظت می‌کند و آزادی مملکت و نوامیس ملت را نگهداری می‌کند.

بنا بر آنچه گفته شد، جمعیت اصلاح نه تنها خود مشارکت در حیات سیاسی کشور را امری ضروری می‌داند، بلکه آرزو دارد تا فضای سیاسی کشور از انارشی و بی‌نظمی موجود رهایی یافته تابع قوانین نافذه و ضوابطی گردد که از یک

طرف امکانات مشارکت هر یک از اتباع کشور در فعالیتهای سیاسی را فراهم سازد و از طرف دیگر، سیاست و کار سیاسی ما در محور منافع ملت دور بزند.

تنوع قومی، مذهبی و تعدد دینی:

خوشبختانه افغانستان کشوری است که ملت آن از لحاظ دینی مشکلی نداشته حدود ۹۹ فیصد آن را مسلمانان و چیزی کمتر از یک فیصد آن را اقلیت اهل هنود و سیکها تشکیل می دهد که در طول تاریخ با حفظ آزادی در مسائل مذهبی شان، تابع قانون اساسی و سایر قوانین کشور بوده هیچ مشکلی در این زمینه وجود نداشته و ازین به بعد هم می تواند به همین منوال ادامه یابد. اما مردم افغانستان به طور عموم مخالف تلاشهای جهاتی می باشند که با تمویل بیرونی، اولاً در صدد ایجاد اقلیتهای دینی جدید و بعداً هم شاید در صدد مشروعیت دادن به آن ها در کشور ما باشند. این تلاشهای تبشیری نه تنها در مخالفت صریح با تعالیم اسلام می باشد، بلکه باعث اخلال ثبات و امنیت جامعه نیز خواهد گردید، به همین خاطر جمعیت اصلاح با تمام تلاشهای تبشیری ای که هدف آن تشکیل فرقه های دینی جدید در کشور باشد، مخالف بوده و علیه آن مبارزه

می کند.

و اما در باب مذاهب اسلامی، پالیسی ما بر همدیگر پذیری و تسامح استوار می باشد. اکثریت مردم افغانستان در دایره اهل سنت و جماعت قرار داشته و در فقه پیرو مذهب امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله علیه می باشند. از آن جایگاه جمعیت اصلاح شعار بزرگ «اصلاح فرد، اصلاح خانواده و اصلاح جامعه» را بلند نموده است، خود را به مسایل فرعی و خورد وریزه مذهبی مشغول نکرده، در امور فقهی به مذهب امام ابو حنیفه رحمه الله علیه عمل می کند و در عین حال همه مذاهب اهل سنت و جماعت را حق دانسته، و نسبت به مذاهب دیگر هیچ تعصبی را به رسمیت نمی شناسد. جمعیت اصلاح تلاش دارد تا وقت و استعداد افراد و امکانات مادی و معنوی خود را در مبارزه با شرک، نفاق، بدعت، مفسد اخلاقی، ظلم، بی عدالتی و دیگر نا بسامانیهای اجتماعی صرف نماید.

هموطنان ما که پیرو مذهب اهل تشیع بوده در طول تاریخ پر افتخار کشور با اهل سنت در صلح و صفا زندگی نموده اند. ما به این باوریم که من بعد هم اهل سنت و اهل تشیع باید در کنار هم زندگی صلح آمیز داشته و نگذارند

توطئه های بیرونی، فضای صمیمانه مان را برهم زدند. همچنان، افغانستان کشوری است که از لحاظ تنوع تباری از اقوام و نژادهای مختلف تشکیل گردیده اما در طول قرن‌ها در زیر سایه اسلام با هم برادر وار زندگی نموده اند. هرچند حکومتها گاهی بنابر دلایل سیاسی و مصلحتهای آنی خود، اقوامی را مورد ستم و آزار قرار داده اند که مردم افغانستان از عملکرد غلط شان بیزار می باشند، اما الحمد لله در درون ملت مشکلی وجود نداشته و تمام اقوام ساکن کشور برادر وار در کنار هم به خاطر آبادی وطن شان کار نموده اند، چنانچه در شگوفایی تاریخ امت اسلامی نیز مردانی از نژادها و اقوام مختلف مشارکت داشته‌اند، زیرا آن‌ها دارای اهلیت، وفا و پذیرش دیگران بوده‌اند.

در چوکات تعدد پذیری، قضیه منسوب بودن به نژادهای متعدد و اقوام گوناگون و مذاهب مختلف را به اساس تعالیم اسلام مشکل نمی دانیم. تمام انسان‌ها در جوهر خلقت خویش مساوی بوده فقط فضیلت و تقوا معیار برتری به حساب آمده می تواند. ثوابت اسلامی برای همیشه همانند یک سایبان گسترده تمام ابنای وطن اعم از انسان و آرمان‌های وی را در

بر می‌گیرد و هیچ تبعیضی را به رسمیت نمی‌شناسد که اساس آن رنگ، خون و جنس باشد.

جمعیت اصلاح به این نظر است که اگر تعامل با تنوع قومی، مذهبی و گروهی بر اصول ذیل استوار گردد، هیچ مشکلی در زمینه باقی نخواهد ماند:

- احترام به رأی مخالف، مادامیکه خط قرمز ثوابت دینی و ارزش‌های ملی را عبور نکند.

- تعمیق روحیه گفتگو، گذشت، و فراخ دلی در برابر همدیگر و تأکید بر این‌که هر کس حق دارد معتقدات و باورهای خاص خود را حفظ نموده و در عین حال به مصالح ملی و وطنی خویش نیز وفادار باشد.

- توازن در دیدگاه نسبت به دینداری و قوم‌گرایی، به این معنی که دینداری کشش اصیل در نفس بشری بوده و به معنای التزام به عبادات، سلوکیات، ارزش‌های ارجمند انسانی، رابطه با دیگران و گفتگو با طرف مقابل می‌باشد. درحالی‌که محبت با قوم و وطن نیز یک کشش طبیعی است، بناءً اگر قوم‌گرایی منجر به تعصب، بسته بودن، خوف از دیگران و بد دیدن دیگران باشد، این گونه قوم‌گرایی از آثار نبود فهم

درست از دین است نه از آثار دینداری.

- تعمیق روحیه شهروندی و اعتماد بر اصل مساوات در حقوق و واجبات، همچنان تعمیق اصل اهلیت و کفایت در تقرری‌ها و فراهم بودن فرصت‌ها برای تمام شهروندان جهت مشارکت در مؤسسات سیاسی، اقتصادی، تعلیمی، نظامی و امنیتی دولت بدون اعتبار دادن به قومیت، نژاد و مذهب.

- مهیا ساختن فرصت‌های زندگی و مساوات کامل در برابر قانون حق تمام شهروندان بوده و در این عرصه هیچ‌نوع تفاوتی نباید میان شهروندان وجود داشته باشد.

خشونت و تروریزم:

جمعیت اصلاح افغانستان هرنوع خشونت را محکوم نموده و تمام انواع تشدد بر مظلومان را از هر مصدری که باشد و بنا بر هر انگیزه‌ای که صورت گیرد، مردود می‌داند. این موقف مبتنی بر فهم و برداشتی است که ما از ارزش‌ها و تعالیم اسلام داریم.

جمعیت اصلاح خشونت و اعمال متشددانه را در طریق اصلاح اجتماعی مردود دانسته و آن را فقط به خاطر دفاع از وطن و نوامیس دینی و ملی مردم مجاز می‌داند. و اما در

میدان‌های دعوتی و عملکردهای سیاسی، بر و سایل مسالمت
آمیز و دعوت همراه با حکمت و موعظهٔ حسنه اعتماد و التزام
تام دارد.

{ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ} [النحل: ۱۲۵]
(با حکمت و پند نیکو مردم را) به راه پروردگارت
دعوت نما، و به روشی که نیکوتر است، به آن‌ها بحث کن و
مناظره کن).

بنابراین، ما گفتگوی آرام و مستدل را یگانه راه رسیدن
به برنامه‌های اجتماعی، دعوتی و سیاسی خود می‌دانیم. ما
معتقدیم که از بین بردن منکرات، مبارزه با خشونت‌ها و
مظالم اجتماعی و اصلاح جامعه باید از طریق دعوت همراه با
حکمت و موعظهٔ حسنه صورت گیرد. ما همه را به سوی
اعتدال و میانه‌روی در موقف‌گیری‌ها، صحبت‌ها و جهت‌گیری
ها و کنار گذاشتن هر نوع افراط و غلو فرا می‌خوانیم. چنانچه
الله متعال می‌فرماید:

{وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى
النَّاسِ} [البقرة: ۱۴۳]

(و بی‌گمان شما را ملّت میانه‌روی قرار داده‌ایم] نه در دین افراط و غلوی می‌ورزید، و نه در آن تفریط و تعطیلی می‌شناسید] تا گواهانی بر مردم باشید).

اسلام به نرمخویی و رفق حتی با حیوانات امر می‌کند و از تجاوز بر دیگران نهی می‌نماید.

«إِنَّ الرَّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ»^۶.

(رفق و نرمی در هر کاری که باشد آن را زیبا می‌سازد و از هر امری که برداشته شود آن را زشت و بدمنظر می‌نماید).

و هر نوع تشدد را مردود می‌داند زیرا:

«إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ، فَإِنَّ الْمُتَبَتَّ لَا أَرْضًا قَطَعَ، وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى»^۷.

(این دین محکم است پس در آن به نرمی داخل شوید زیرا آن که در دین سختی کند مانند سوار کاری است که در رفتار خود تیزی بیش از حد می‌نماید که نه مسافه ای را طی نموده می‌تواند و نه سواری خود را سلامت باقی می‌گذارد).

«إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ إِلَّا غَلَبَهُ فَسَدَّوْا

۶- صحیح مسلم؛ باب فَضْلِ الرَّفْقِ.

۷- سنن الکبری؛ از یهقی؛ به روایت جابر بن عبد الله.

وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا وَاسْتَعِينُوا بِالْعَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَيْءٍ مِنَ الدَّلْجَةِ» ۸.

(دین آسان است و اگر کسی آن را بر خود سخت بگیرد، سرانجام خسته و درمانده خواهد شد. بنابر این راه راست و میانه را در پیش گیرید، خوشحال باشید و از عبادت صبح و شام و پاسی از شب کمک بگیرید).

«يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا» ۹.
(در امور دین، آسانی را پیشه کنید و سختی نکنید، مژده دهید و بیزار نکنید).

«مَا خَيْرَ رَسُولٍ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ أَمْرَيْنِ إِلَّا أَخَذَ أَيْسَرَهُمَا مَا لَمْ يَكُنْ إِثْمًا» ۱۰.
(هرگاه به رسول خدا صلی الله علیه و سلم اختیار داده می شد که از میان دو کار یکی را انتخاب کنند، آسان تر آن ها را انتخاب می نمودند. البته اگر گناه نمی بود).

بنا بر این همیشه آسان گیری و بشارت دادن در چوکات شریعت و در دایره مباح و گذشت، انتخاب ما خواهد بود و ما

۸ - صحیح البخاری؛ بَاب الدِّينِ يُسَّرُ.

۹ - صحیح البخاری؛ بَاب مَا كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَخَوَّلُهُمْ بِالْمَوْعِظَةِ وَالْعِلْمِ كَيْ لَا يَنْفِرُوا.

۱۰ - صحیح البخاری؛ بَاب صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

به قصد ساختن ملت خویش اعم از فرد، جامعه و دولت بر مبنای اصول مستحکم اسلامی و در فضای عصری که در آن زندگی می‌کنیم و در روشنی فهمی که از شریعت خویش داریم، به اجتهاد می‌پردازیم.

جمعیت اصلاح پدیده ترور و دهشت افکنی را به صورت کل مردود می‌داند، چه تروریسم دولتی باشد و یا از سوی افراد و تنظیم‌ها عملی شود، و همه را دعوت می‌کند که به صورت مشترک تعریفی واضح از این پدیده ارائه نمایند تا این کلمه وسیله جنگ با مستضعفان و تطبیق برنامه های بیگانگان نگردد.

اساساً تروریزم اصطلاح جدیدی است که در تعریف آن اختلافات زیادی در کشورهای مختلف جهان وجود دارد. ولی قدر مشترک میان همه تعریف‌ها این است: «تجاوز بر بیگناهان با اختطاف و ترساندن شان و ضرر رسانیدن به آنان و یا قتل ایشان به خاطر اهداف سیاسی که ربطی به آنان نداشته باشد».

بنا بر این تعریف گفته می‌توانیم که اسلام تروریزم را به صورت کلی مردود می‌داند، زیرا اسلام آزار و اذیت فرد و

جامعه را نمی‌پذیرد. اما زمانی که بر مردم تجاوز صورت گیرد، کرامت، حقوق و دین شان پایمال شود و سرزمین های شان اشغال گردد، و در این تجاوز تمام چیزهایی استعمال شود که ترور و تشدد به حساب می‌آید، در آن صورت این حق مسلم مسلمانان است که با تجاوز مقابله بالمثل نمایند، زیرا الله عزوجل می‌فرماید:

{فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَیْكُمْ} [البقرة: ۱۹۴]

(پس هر کس تعدی و تجاوز کرد، همانگونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید).

ما ترور و وحشت را مردود می‌دانیم، حتی اگر این ترور از سوی قدرت حاکمه بنا بر طبیعت استبدادی و یا هم بر اساس فشارها و توطئه‌های خارجی بر ضد جریان‌های سیاسی و اجتماعی در داخل به کار رود.

حق آزادی برای ملت‌ها، دفاع از سرزمین و حق انتخاب نظام حکومت، از حقوق فطری و قبول شده ای است که شریعت الهی آن را به ملت‌ها اعطاء نموده و معاهدات بین المللی، مراکز حقوقی و تمام سازمان‌ها آن را تأیید و تأکید

نموده اند.

دیدگاه ما در مورد حقوق بشر:

اسلام پیشگام دعوت به سوی احترام حقوق بشر و تأمین این حقوق می باشد و خطبه حجة الوداع پیامبر صلی الله علیه وسلم اولین و بهترین وثیقه ای برای تأمین واقعی حقوق بشر و منع هر نوع ظلم و تجاوز بالای انسان است. و ما می خواهیم که راه دستیابی عملی به این حقوق را در چوکات نظام اخلاقی و قانونی برای همگان باز کنیم، و معتقدیم که آزادی قانونمند انسان یگانه وسیله و راه رسیدن وی به هر نوع خیر، خوبی، شگوفایی و نوآوری می باشد.

متأسفانه ظلم و وحشتی که در عصر ما جریان دارد، بیشتر از سوی دیگران بر علیه مسلمانان صورت می گیرد، نه از دست مسلمانان بر دیگران. ما از تمام عقلاء در هر جایی که هستند تقاضا می کنیم که آواز شان را بلند نموده و مردم را به سوی مساوات و برخورداری از این حقوق و آزادی ها دعوت نمایند؛ زیرا این گونه مساوات یگانه راه رسیدن به صلح جهانی و استقرار اجتماعی و اقامه نظام عادلانه جهانی است، نظامی که در آن ظلم، اذیت و تجاوز راه نداشته باشد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر را تا جاییکه طبق ماده سوم قانون اساسی در مخالفت با احکام و معتقدات اسلامی نباشد، محترم می‌شماریم، اما از دیدگاه حقوقدانان مسلمان، اعلامیه مذکور کمبودها و نواقصی دارد که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد. به همین خاطر اعلامیه اسلامی حقوق بشر^{۱۱} که از طرف سازمان کنفرانس اسلامی در شهر قاهره صادر گردیده، به مراتب جامع‌تر و عادلانه‌تر از این اعلامیه می‌دانیم. ما طرفدار رعایت مساویانه و بدون تبعیض حقوق بشر به تمام انسان‌ها می‌باشیم و مخالف آنیم که کشورهای قوی از عنوان حقوق بشر به حیث وسیله‌ی فشار به خاطر سرکوب ملت‌های ضعیف و تحقق هژمونی و تسلط خویش بر آن‌ها استفاده نمایند.

راه شناخت احکام:

جمعیت اصلاح، احکام دین و شناخت حلال و حرام را از مصادر شریعت (قرآن، سنت، اجماع و قیاس) با پیروی از سلف صالح امت مطابق فهم علماء و مجتهدین با اعتبار امت و در چوکات روش‌های قبول شده اجتهاد که تفصیل آن در کتب

^{۱۱} (این اعلامیه در سایت www.islamichr.org/PageItem و سایت

های دیگر به زبان فارسی نشر شده است.

فقه و اصول فقه اهل سنت وجود دارد، شناخته و عملی می نماید. در مسایل جدید و معاصر و مواردی که به مصالح و مفاسد آنی و مقطعی مربوط باشد، از نظر علمای معاصر معتمد امت اسلامی پیروی می نماید.

اصلاح همه گیر

الله متعال می فرماید: {إِنِ ارِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ} ﴿هود ۸۸﴾
(من جز اصلاح، - تا آنجا که توانایی دارم - نمی خواهم،
و توفیق من جز به فضل خدا نیست، بر او توکل کردم، و
به سوی او باز می گردم).

شعار اساسی جمعیت اصلاح در روشنی آیه ی متبرکه ی
فوق، اصلاح فرد، اصلاح خانواده و اصلاح جامعه و نظام می
باشد. جمعیت اصلاح به این باور است که اصلاح همه جانبه
خواست ملی، وطنی و اسلامی است؛ و اساساً ملت ما باید در
این راستا ابتکار عمل را به دست گرفته، طوری به سوی
اصلاح حرکت کند که تمام آرمان های آن را در بستر یک
زندگی آزاد و باکرامت تحقق یابد و شگوفایی، آزادی،
عدالت، مساوات و شورا را به ارمغان آورد. هیچ حکومت و
هیچ نیروی سیاسی به تنهایی نمی تواند در میدان اصلاح سیاسی
کامیاب شود؛ بلکه این مسئولیت به گونه ای است که باید همه
در برداشتن آن سهیم شوند، زیرا حفاظت از مصالح ملی در
کشور، یکی از فرایض زمان است؛ تنها به این خاطر فرض

نیست که ما باید در برابر توطئه‌های هدمندانه که از سوی دشمنان افغانستان متوجه منطقه شده است ایستادگی نماییم، بلکه به خاطر جبران کاستی‌ها و معالجه مشکلات نیز این ایستادگی بر ما واجب است.

بنیاد های اصلاح اجتماعی:

از آن جایی که حلقه‌های اصلاح اجتماعی باید به صورت پیوسته در کنار اصلاح سیاسی، اصلاح فرهنگی و اصلاح اقتصادی قرار گیرد، ما در پروسه تمدنی اجتماعی خویش بر اساسات زیر تأکید می‌نماییم.

۱- دوری از دنباله روی و تقلید کورکورانه:

طرح تمدنی ما در چوکات اجتماعی خویش بر کنار گذاشتن تقلید اجتماعی استوار است؛ زیرا این گونه تقلید نه از نظر نصوص شرعی درست است و نه نور عقل و حکمت آن را تأیید می‌کند. پس تقلید کورکورانه کشورهایی که در مجال علوم و تکنالوژی پیشرفته اند، در هر چیز و پیروی گام به گام از آن ها، کاری مردود و غیر قابل قبول است. استقلال عقلی که هر چیز را به میزان حق و نور علم سنجش می‌کند یگانه روشی است که باید بر اخلاق اجتماعی و پالیسی های

رسمی ما کنترل داشته باشد تا جامعه راه ترقی و موفقیت حقیقی را در پیش گیرد.

عموماً قاعده «خذ ما صفی و دع ما کدر» (آنچه پاکیزه است، بگیر و آنچه آلوده است، بگذار) اساس خوبی در جهت تعامل با فراورده های دیگران است.

۲- مقابله با ظلم و بی عدالتی:

طرح تمدنی ما پرورش و تعمیق احساس عزت نفس در افراد و تن ندادن به ظلم و اهانت را در اولویت های کاری خود، قرار داده است. به باور ما، افراد جامعه باید با این احساس پرورش یابند که از ظالم نفرت داشته و از مظلوم حمایت نمایند. قرآن عظیم الشان در این رابطه چه خوب فرموده است:

{ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ } (۳۹) وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا { [الشوری: ۳۸-۴۰]

(و کسانی که چون ستمی به آن ها برسد، انتقام می گیرند، و جزای بدی، بدی همانند آن است).

تنها ملت هایی به اوج قله های ترقی و تمدن انسانی راه یافته می توانند که ظلم و ستم را کنار گذاشته، تحقق عدالت و

انصاف را نصب العین خویش قرار داده اند.

۳- استفاده از تجارب انسانی:

امتهای زنده همیشه در داد و ستد فراورده های مادی و معنوی بین همدیگر متعاون بوده و از دست آوردهای مثبت همدیگر استفاده می نمایند. تمدن شکوهمند اسلامی عالی ترین نمونه ی همکاری یک تمدن انسانی با تمدن های دیگر است. مسلمانان از همان بدو تأسیس دولت اسلامی در جزیرهٔ عرب، چیزهایی زیادی را از دیگران گرفتند و بعد از رشد و ارتقاء با ملتهای دیگر شریک ساختند. همچنان چیزهای زیادی را از تمدن اسلامی بدون قید و شرط در خدمت ملتهای دیگر قرار دادند. مسلمانان در حال حاضر نیز با این اخذ و عطاء مشکلی ندارند، به شرطیکه این استفاده دلخواه و اختیاری باشد، نه تحمیلی و اجباری.^{۱۲} اما با استفاده از دست آوردهای علمی، و تکنالوژیکی ملتهای دیگر و استفاده از تجارب کامیاب ایشان در میدان سیاست و حکومت داری مشکلی نداریم. زیرا تجارب

^{۱۲}: استاد مالک بن نبی در کتابش «شروط النهضه» در مورد به تفصیل صحبت نموده و ضوابط جالبی در زمینهء وضع نموده که مراجعه به آنرا مفید می دایم.

انسانی قابل تحلیل و ارزیابی بوده و ما از راه تجزیه و تحلیل این تجارب بشری می توانیم مفید و صالح آن را برای خود تشخیص داده و مضر و غیر ضروری آن را رد نماییم.

مشکل ما با غرب مشکل باورهای الحادی و فساد اخلاقی ایشان است که با باورهای دینی و ارزشهای وطنی ما در تصادم می باشند و ما به هیچ صورت نمی توانیم آن ها را بپذیریم. بعبارۀ دیگر، ما به شرط حفظ ارزشهای دینی و خصوصیت های ملی خود از دست آوردهای مثبت تمدن های دیگر، به شمول تمدن غربی استفاده می کنیم، اما مخالف آن هجوم فکری و فرهنگی می باشیم که هدف آن غربی سازی افغانستان و عاری ساختن آن از ارزشها و اخلاقیات متعالی است.

۴- تکافل و دستگیری:

اساساً دولت باید بیشترین سهم را در حل مشکلات مردم از قبیل: تعلیم، صحت، مسکن و کمک های مالی برای خانواده های فقیر به دوش گیرد. ولی حتی درحالات مطلوب هم تلاش دولت، ما را از ایجاد سازمان های اجتماعی بر اساس تکافل و تراحم بی نیاز نمی سازد؛ این قضیه یکی از برنامه های اساسی

پروژه ی میهنی و ملی ما، می باشد. احیای نظام زکات که حق فرضی است، در صدر برنامه های ما قرار دارد و جایگاه آن در راستای زدودن فقر و از بین بردن احتیاج، کم تر از جایگاه تکس ها و مالیاتی نیست که دولت آن ها را به خاطر رفع احتیاجات عامه تعیین می نماید. در ایجاد مؤسسات توزیع زکات که حیثیت واسطه میان دهنده و گیرنده را دارد، معنای روانی خیلی باریک نهفته است؛ زیرا اسلام می کوشد تا گیرنده زکات را از فشارهای روانی و احساس کم تری حفظ نماید، به همین منظور زکات دهنده را تنبیه می کند که صدقه خود را با منت گذاری و آزار، باطل نکند.

در جامعه متعاون و مهرورز، جامعه ای که فقر و احتیاج در آن نابود می گردد، کاروان عطوفت و مهربانی در مسیر انسانی ای مملو از عطوفت به پیش می رود تا در نهایت خود را به پروژه تمدنی رهگشا برساند.

عرصه های اصلاح

اصلاح شامل، تمام میادینی را در بر می گیرد که به نحوی از انحاء به حیات مادی و معنوی ما ارتباط می گیرد، اما به نظر ما میادینی که اولویت بیشتر دارند، قرار زیر اند:

سیاست و حکومت داری:

اسلام محدودیت و جداسازی خود را از سیاست به رسمیت نمی شناسد. بر هر جمعیت و نهاد اسلامی لازم است تا رسیدگی به امور سیاسی و اجتماعی امت را در سرلوحه برنامه هایش قرار دهد و گر نه باید فهم خود را از اسلام بازنگری کند. بنا بر این ما سیاسی هستیم به این معنا که به امور مردم خویش اهتمام داریم؛ معتقدیم که قوه مجریه و عزت ملی رکنی از ارکان و فریضه‌ای از فرایض دین ما است؛ و ما در راه آزادی و اصلاح دستگاه‌های اجرایی تلاش و فعالیت می‌کنیم.

ما معتقدیم که سکوت در برابر عمل‌کرد های ناشایست حکومت‌ها جرم، و تقاضای اصلاح آن یک واجب اسلامی است. رسول الله صلی الله علیه وسلم حکومت را یکی از حلقه‌های اسلام بر شمرده‌اند، و در کتاب های فقهی ما، قضیه ی

نصب خلیفه در بخش عقاید و اصول آمده است، نه در بخش فروع و مسایل فقهی.

متأسفانه فضای سیاسی در سالیان اخیر در کشور ما مصلحتی و مافیایی گردیده و دولت مردان به عوض خدمت صادقانه به مردم، مصروف سرکوب مخالفان و رقیبان از یک طرف، و مصروف ثروت اندوزی و اختلاس از طرف دیگر اند. ما می خواهیم تا دولت مردان ما به عوض مسابقه در جمع آوری پول، به وظیفه ی اصلی شان که خدمت مردم است، رو آورند. سیاست کشور باید در دست مشتی سرمایه دار، منفعت پرست و بیگانه پرور انحصار نگردد، بلکه مجال خدمت برای تمام ابنای وطن و فرزندان صادق و کار فهم کشور به طور مساویانه در تمام سطوح، گشوده شود. تضمینات متعدد به خاطر شفافیت سیستم انتخاباتی در کشور بوجود آید و به حکومتی که در نتیجه ی انتخابات شفاف تشکیل می یابد، فرصت داده شود تا دوره ی کاری اش را تکمیل نماید. اپوزیسیون سیاسی باید از طریق پارلمان، رسانه ها و غیره، بر سیاستها و اجراءات حکومت نظارت داشته و نگذارد که از حدود قوانین و ارزشها تجاوز نماید.

اصلاحات اداری و مبارزه با فساد:

اداره ی موفق، عامل اساسی پیروزی و پیشرفت دولت‌ها به شمار می رود؛ و بر عکس، اداره ی ناموفق عامل اساسی در ناتوانی و عقب ماندگی آن می باشد. تجارب کشورهای در حال رشد ثابت ساخته است که مشکل رشد و انکشاف در این کشور ها ناشی از قصور و خالی گاه بزرگ اداری می باشد که در نتیجه ی آن فرق زیاد بین تقاضای پلان های انکشافی در راستای اجراء و پیگیری این پلان ها و بین توانمندی و اهلیت کسانی وجود دارد که مسؤولیت های مهم به عهده شان سپرده می شود.

علاوه بر آن، فساد اداری و مشکلاتی که از آن ناشی می گردد بر حجم این مشکل می افزاید. این عوامل باعث می گردد که سطح تطبیق و اجرای این پلان ها در حدود توانمندی و سطح قدرت اداری مجموع این دستگاه تنزیل یابد. بنا براین حکومت خوب به خاطر بهتر سازی عمل کرد ها و اجراءات دستگاه های اداری، در امر تنظیمی و تقنینی و عناصر بشری آن باید توجه نماید تا توان بیشتری برای اجراء و پیگیری برنامه های انکشافی، اقتصادی و اجتماعی موفق را به

دست آورد.

در عرصه ی فرهنگ و رسانه ها:

رسانه ها با مؤسسات آموزشی و تربیتی دیگر، در شکل دهی افکار عامه و موقف گیری های عمومی در برابر قضایای بزرگ به صورت هماهنگ حرکت می کنند؛ بنابر این باید هر دو در خدمت ملت قرار گیرند. باز سازی جامعه بر بنیاد اندیشه های سالم و استحکام بخشیدن به وحدت ملی از وظایف رسانه ها می باشد. همچنان فراهم آوری معلومات درست و دقیق برای مردم به گونه ای که با ارزشهای ملی و اسلامی همخوانی داشته باشد، از رسالت های رسانه ها می باشد.

در شرایط جنگی افغانستان، احیای روحیه گفتگو بین گروه ها و طیف های مختلف و سوق دادن جامعه در جهت صلح و آشتی ملی از وظایف رسانه ها است.

کشور عزیز ما افغانستان بعد از تحولات یک و نیم دهه اخیر، شاهد گسترش کمی و کیفی در عرصه رسانه های جمعی می باشد و نقش و تأثیر رسانه ها در جامعه هر روز بیشتر می شود.

استفاده از حق آزادی بیان مبتنی بر قانون اساسی و دیگر قوانین و تأسیس رسانه های نوشتاری، شنیداری، دیداری بر علاوه شبکه های اجتماعی حرکت رسانه ای بزرگی را در افغانستان پدید آورده است که مستحق حمایت، توجیه، تهذیب و ترشید می باشد.

ازینرو جمعیت اصلاح افغانستان بر نقش رسانه های جمعی در پیشرفت و انکشاف جامعه تأکید می ورزد و حمایت قاطع از رسانه های جمعی در دایره قانون اساسی و سایر قوانین کشور را وظیفه و رسالت خویش می داند.

جمعیت اصلاح افغانستان از اصل آزادی بیان در چوکات قانون و در تطابق با ارزش های دینی و فرهنگ مثبت جامعه حراست و پشتیبانی می نماید و وجود آزادی بیان و تعبیر را یک نیاز مبرم برای رشد و استحکام جامعه و نظام می داند.

در کنار حمایت از رسانه های جمعی و تلاش جدی برای بهبود کمی و کیفی آنها و با اصرار بر تقویت اصل آزادی بیان، جمعیت اصلاح افغانستان اصلاح، تهذیب و ترشید نشرات رسانه ها را در همخوانی با ارزش های دین اسلام، احکام قانون اساسی و سایر قوانین کشور، منافع ملی و ارزش های مثبت

فرهنگی افغانستان لازم می‌پندارد تا رسانه‌ها نقش خود را در توجیه و سمت‌دهی جامعه به سوی خیر و ترسیخ ارزش‌های مثبت ایفا نماید.

تحقق این امر مستلزم مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق و همه‌جانبه است که جمعیت اصلاح افغانستان آماده تشریک مساعی با جهت‌های مرتبط و ذیدخل درین زمینه می‌باشد.

بزرگترین مشکل ما در بُعد فرهنگی، نبود تولید داخلی و اتکای بیش از حد به تولیدات بیرونی در میدان فلم، سریال، درامه و غیره می‌باشد. اگر وضع به همین منوال دوام پیدا کند، جامعه‌ی ما را به طرف بی‌هویتی و انا‌رشی فرهنگی سوق خواهد داد. وزارت اطلاعات و فرهنگ و رسانه‌های کشور باید هرچه زودتر در این میدان سرمایه‌گذاری نموده با تولید فلم، سریال و سایر محصولات سینمایی هنری‌طوری برنامه‌ریزی کنند که جوابگوی شرایط فرهنگی جامعه‌ی خود ما باشد تا به این ابتذال فرهنگی-هنری خطرناک پایان داده شود.

در بخش تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی:

برای ساختن نسل‌های نیکوکار و متعهد، و آماده‌سازی آن‌ها برای رهبری آینده و ایجاد تغییر بنیادی در زندگی

مردم، تعلیم و تربیه اساس کار است. بنا بر این انتخاب و تعیین برنامه‌های تعلیمی درست - از مکتب ابتدایی تا دانشگاه‌ها- امر ضروری می باشد، طوریکه این برنامه های آموزشی بتواند درکنار جواب گویی به خواسته های عصر، اهداف تربیتی یی را که عقاید اسلامی و فرهنگ افغانی اقتضاء دارد نیز برآورده سازد. تربیت سالم باید انسان صالح را تقدیم جامعه کند، انسانی که از لحاظ جسمی نیرومند؛ از لحاظ اخلاقی متین و باوقار؛ از لحاظ فکری روشن و دارای عقیده سالم باشد، همچنان بنده عابد و فرمانبردار پروردگار بوده در زندگی فردی اش منظم و مفید برای دیگران باشد. تعلیم و تربیت اسلامی متقاضی رشد همه جانبه ی شخصیت فرد است که باید به تمام آنها خصوصاً در دوره مکتب توجه جدی صورت گیرد و مهمترین آن قرار ذیل میباشد:

رشد جسمی: فراهم آوری زمینه صحت و سلامتی از راه های مناسب و برچیدن بیماریها و فراهم آوری زمینه ورزش و تغذیه صحی برای دانش آموزان.

رشد عقلی و اعتقادی: دور نگهداشتن دانش آموزان از مبتلا شدن به امراض اعتقادی و عقب مانده گی های ذهنی و فراهم

آوری زمینه تفکر منطقی، برای رسیدن به اندیشه های علمی و ابتکاری.

رشد روحی: از راه آگاه سازی دانش آموزان به نیاز دایمی آنها به الله متعال، کسب معنویات و شکر گذاری در برابر نعمات الله متعال.

رشد اخلاقی: از راه ایجاد علاقه به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل و بدی ها، تربیت دانش آموزان بر آداب اجتماعی پسندیده و آشنا ساختن آنها به پاکسازی ظاهر و باطن شان از قبايح و بدیها.

تقویت اراده: از راه ترک محرمات، عمل به فرایض و واجبات، صبر در مشکلات، وفا به عهد و غیره.

رشد قدرت نو آوری (خلاقیت): در امور هنری، فنی و علمی از راه جلب توجه آنها به پدیده های هستی و کشف استعداد آنها، ایجاد فرصت های مناسب برای پرورش روحیه ابتکار و نوآوری دانش آموزان.

جمعیت اصلاح افغانستان معتقد است که نظام آموزشی کشور باید طوری عیار گردد که در نتیجه جوانان متخصص و با ایمان را برای خدمت کشور تقدیم نماید.

- برای رسیدن به این مأمول اقدامات ذیل را لابدی می دانیم:
۱. انکشاف و بهتر سازی نصاب تعلیمی و کتب درسی مکاتب به گونه ای که با ارزشهای دینی، فرهنگی و ملی ما موافق بوده پاسخگوی نیازمندیهای دانش آموزان، طبق خواسته های عصر کنونی باشد.
 ۲. بجای توجه به ملحوظات سیاسی و فشارهای بیرونی در نصاب تعلیمی کشور، ارزشهای دینی و منافع ملی در اولویت قرار داده شود.
 ۳. دیدگاه های متخصصین تعلیم و تربیت در طراحی و انکشاف متوازن نصاب از جنبه های مختلف جمع آوری و به آن ترتیب اثر داده شود.
 ۴. در کنار تعلیمات اسلامی و علوم انسانی، به تخصصات عصری و تخییکی نیز توجه جدی صورت گیرد.
 ۵. در تعلیمات نیمه عالی در بخش های تخییکی و حرفوی سرمایه گذاری لازم صورت گیرد.
 ۶. حمایت قوی از طرف دولت برای سکتور خصوصی فراهم آید تا سبب رشد کمی و کیفی معارف و تحصیلات عالی

کشور گردد؛ اما در کنار آن از کیفیت ارائه خدمات تعلیمی و تحصیلی نظارت جدی صورت گیرد.

۷. رسیدگی به حل مشکل سر پناه و توجه به وضعیت زندگی و درآمد معلمان تا با معاشی که از دولت به دست می‌آورند در زندگی خویش خود کفا گردیده، مکانت اجتماعی ایشان تقویت، و نقش آنها به عنوان مربی نسلها به وجه احسن ایفاء گردد.

در بخش تحصیلات عالی به موارد ذیل توجه بیشتر صورت گیرد:

۱. تهیه طرزالعمل جامع با وضع لوائح و معیارهای عادلانه، برای قبول شاگردان در پوهنتون ها و بورس‌های تعلیمی، تا عدالت تحقق یافته و فرصت یک‌سان برای تمام جوانان وطن بدون امتیاز و یا تبعیض برای همه مهیا گردد.

۲. زمینه تحصیلات فوق لیسانس در رشته های مختلف با شرایط سهل و با استاندارد های بین المللی در داخل کشور فراهم ساخته شود.

۳. ترویج نظام غیر مختلط در مؤسسات تحصیلی کشور و زمینه سازی برای طبقهٔ اِناث تا تحصیلات شانرا الی درجات

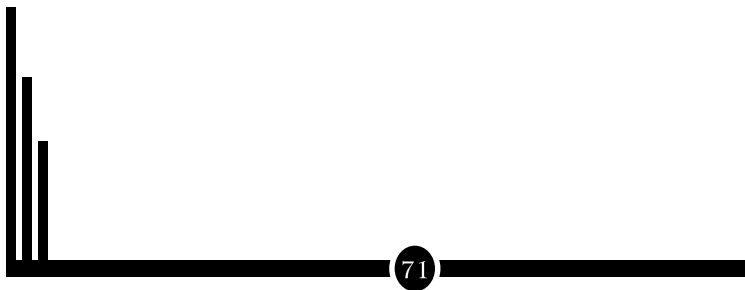
عالی در انستیتیوت‌ها و دانشگاه‌های مخصوص زنان با اطمینان کامل به پایهٔ اکمال برسانند.

۴. آموزش مهارت‌های کاری و مدیریتی و رسمیت بخشیدن به دوره‌های کارآموزی و کسب تجارب در جریان تحصیل تا نیروهای جوانی که از پوهنتون‌ها فارغ می‌شوند بدون انتظار صاحب‌شغل گردیده در رشد و انکشاف کشور سهمیم شوند.

۵. سعی و تلاش در راستای تقویت رشته‌های ساینس و تکنالوژی روز با استفاده از آموزش و تقویت زبان‌های خارجی، تا دستیابی فرزندان کشور را به منابع علمی بیشتر و استفاده از اندوخته‌های علمی جهان آسان‌تر بسازد.

۶. پایین آوردن مالیات دولتی برای پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی تا آنها در جهت بلند بردن کیفیت تحصیلی بیشتر سرمایه‌گذاری نموده و هزینه‌های تحصیلی برای محصلین کاهش یابد.

۷. همکاری حکومت با مؤسسات تحصیلی خصوصی و فراهم کردن جای‌بری آنها تا تعمیرات خود را در آن مطابق استندردهای قبول‌شده بین‌المللی اعمار کنند.



اصلاحات قانونی

حاکمیت قانون و قانونمند شدن جامعه افغانی یکی از اهداف اساسی جمعیت اصلاح افغانستان می باشد، مقصد ما از حاکمیت قانون این است که هیچ کس بالاتر از قانون تلقی نشود. حاکم و محکوم به طور یکسان به قانون اساسی و سایر قوانین احترام بگذارند و آن را رعایت نمایند. در یک جامعه قانون مدار، مصالح جامعه بر مصالح حکومت مقدم است و هیچ وقت حالت اضطراری و صدور فرامین خاص از سوی رئیس جمهور، جای قوانین عادی را گرفته نمی تواند.

به باور ما، قانون و قانون گذاری در جامعه ما باید طوریکه ماده سوم قانون اساسی کشور تصریح نموده است، در مخالفت با احکام و معتقدات شریعت اسلامی نباشد.

شریعت اسلامی در اعماق وجدان و ضمیر جامعه ریشه دارد. منبع اصلی و اساسی قانون گذاری و معیار مشروعیت قوانین در افغانستان است. با توجه به شریعت اسلامی، در قانون گذاری معنای حقیقی برتری قانون، برجسته و مشخص می گردد و تنها در این صورت است که قانون در دل و ضمیر مردم جا گرفته و اتباع کشور از احکام آن پیروی می کنند،

تمام افراد جامعه بدون امتیاز، از آن تبعیت نموده و حکم آن را می‌پذیرند. به همین دلیل لازم می‌دانیم تا قانون‌گذاری در کشور موافق با احکام شریعت اسلامی و مقاصد عام شریعت اسلامی صورت بگیرد. تا هر فرد جامعه با شوق و علاقه در تطبیق احکام قانون کوشا بوده و مصالح خود را در حاکمیت قانون تحقق بخشد.

در عرصه حاکمیت قانون:

ما معتقدیم که نخستین گام در راه حاکمیت قانون، احترام کامل به مواد و احکام قانون اساسی، قوانین نافذه و سایر اسناد تقنینی در کلیه عرصه‌ها است.

این مأمول زمانی متحقق می‌شود که همه اتباع کشور بشمول رئیس دولت، وزراء و دولتمردان خود را تابع احکام قانون بدانند، و آنرا در اجراء روزمره‌شان بخوبی تطبیق نمایند. قوانین بازیچه دست اربابان قدرت و سلطه قرار نگیرد که بالای افراد ناتوان جامعه تطبیق و بالای زورمندان تطبیق نگردد، بلکه باید بالای همگان به صورت یکسان تطبیق گردد، چنانچه تغییر احکام قانون باید از طریق مرجع قانونی که همانا ستره محکمه است صورت گیرد، نه اینکه اراکین قوای سه گانه

دولت آنرا مطابق ذوق شخصی شان تغییر و توجیه کنند. ملت و مردم باید درک کنند، که قانون اساسی به عنوان عالیت‌ترین سند تقنینی ارزش‌های علیای دولت جمهوری اسلامی افغانستان را تمثیل میکند، نظام سیاسی آنرا مشخص می‌سازد، وجایب و مکلفیت‌های مسؤولین و شهروندان را تعیین و حقوق‌شانرا واضح می‌نماید. بدون اینکه وارد جزئیات گردد. زیرا جزئیات آن در قوانین عادی تنظیم میگردد و قانون اساسی باید همیشه به عنوان قانون برتر و مادر قوانین عادی باقی بماند.

ما همچنان معتقدیم که شریعت اسلامی منبع اصلی قانون گذاری در کشور بشمار میرود، و طبق ماده سوم قانون اساسی هیچ قانونی مخالف معتقدات و احکام شریعت اسلامی شده نمی‌تواند، ازینرو سایر عملکردها و تصرفات قوای سه‌گانه دولت باید بر وفق احکام شریعت اسلامی، قانون اساسی، قوانین نافذه و سایر اسناد تقنینی مرعی الاجراء جریان یابد، که این خود ضمانت اجرایی قوی برای حاکمیت قانون در کشور خواهد بود، چنانچه کلیه افراد جامعه قطع نظر از جایگاه اجتماعی و موقف سیاسی و اداری شان تابع احکام قانون

گردیده و مطابق خواسته های قانون حرکت کنند. آنگاه است که عدالت در جامعه تحکیم و مساوات گسترش یافته، اعتماد میان ملت و دولت افزایش یافته، فضای همکاری دو جانبه ملت و دولت، جامعه را به سمت ثبات همه جانبه سوق میدهد.

در بخش خدمات:

توجه متوازن به بخش های خدماتی از مهم ترین عناصر رشد و انکشاف بوده و یکی از پایه های اساسی استقرار جامعه و تحقق یافتن زندگی بهتر برای شهروندان می باشد؛ در حالی که متأسفانه در کشور ما تا هنوز هم این بخش مهم و حیاتی دچار عقب ماندگی شدید اداری بوده و از ناحیه کمبود موارد مالی گرفتار مشکلات است.

تمام این عقب ماندگی ناشی از فساد اداری و مالی گسترده در ادارات است؛ این حالت ناهنجار در بخش خدمات تأثیر بسیار منفی و ناگواری به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر حیات شهروندان می گذارد.

جمعیت اصلاح برنقاط ذیل در خصوص بهتر سازی عرضه ی خدمات تأکید می نماید:

- حصول اطمینان از مصرف عادلانه بودجه ی ملی

و توزیع عادلانه پروژه های انکشافی و خدماتی در تمام کشور و توجه بیشتر به دهات تا این خدمات منحصر به شهرها نماند و فعالیت های خدماتی عاملی برای حفظ توازن نفوس در شهرها و قریه جات باشد. و از نقل مکان مردم قریه جات به سوی شهرها جلوگیری نماید.

- توجه به تربیت کادرهای اداری و فنی در تمام میدان های خدماتی به گونه ای که هماهنگ با پلان های انکشافی و برنامه های اجرایی حرکت نماید.

- مشارکت مردم و مؤسسات سکتور خصوصی و تشویق آن ها برای سهم گیری در این عرصه.

- اولویت دادن به پروژه های آبی و جستجوی منابع و سرچشمه های مختلف برای فراهم نمودن آب آشامیدنی صحی برای تمام شهروندان در مراکز ولایات و قریه جات، و ساختن بندها و کانال ها جهت استفاده ی بهتر از آب باران و حفظ آب های زیر زمین با استفاده از برنامه ریزی های دقیق بهره برداری از آب های سطحی کشور.

- توجه جدی به استخراج معادن کشور به عنوان بزرگترین سرمایه های خدا دادی و جلوگیری از استخراج

خود سرانه و همچنان رعایت شفافیت در عقد قرار داد ها با شرکت ها و احتیاط در عقد قرارداد های کلان با کشورهای خارجی طوری که منافع و مصالح کشور در نظر گرفته شود.

- استفاده از منابع تولید انرژی آفتابی و بادی به گونه ای که نیازهای شهروندان در شهرها و قریه جات را با قیمت مناسب برآورده سازد.

- تشویق سکتور خصوصی جهت سرمایه گذاری در پروژه های عامه المنفعه بخصوص پروژه های اسکان بخاطر جواب گویی به نیازهای خانواده هایی که درآمد محدود دارند.

- اصدار قوانین و مقررات تنظیم کننده بین مالکین و کرایه نشینان به گونه ای که امن و استقرار کرایه نشین و حقوق مالک را یک سان حفظ نماید.

حمایت از کار و کارگر:

اسلام کارگر را گرامی داشته و کار را تقدیر می کند و آن عده از افکار و ارزش های جاهلی را که کار و کارگر را تحقیر می نمود، زیر پا می گذارد. جمعیت اصلاح سعی و تلاش برای دستیابی به نکات ذیل را در این عرصه بسیار مهم می داند:

- نشر فرهنگ کارگری و ایجاد آگاهی از اهمیت کار و

کارگر در بین تمام کارگران، با وسایل و شیوه‌های مختلف.
- حفظ و نگهداری آزادی و استقلال اتحادیه‌ها و دور
نگهداشتن آن از هر نوع دخالت و سیطره جهت‌های سیاسی و
تأثیرگذار بر تصمیم آنها.

- اجازه دادن به کارگران در سکتورهای خصوصی و
دولتی جهت تشکیل اتحادیه‌های کارگری، به هدف حمایت و
دفاع از حقوق و مصالح‌شان.

- تأمین حقوق کارگران منجمله: حق رخصتی، حق
اضافه کاری، و حق برخورداری از تدابیر ایمنی و بهداشتی و
امثال آن.

- تشویق کارهای حرفوی و گشودن مراکز و مکاتب
مسلکی در رشته‌های مختلف و بلندبردن مستوای تخصصی
کارگران به منظور برآوردن نیاز کشور.

- منع استخدام اطفال در کارهای شاقه و وظایفی که
مانع درس و تعلیم شان می گردد و یا زمینه های فساد اخلاقی
و تبهکاری را فراهم کند.

- جلوگیری از استخدام زنان در کارهایی که با
تواناییهای جسمی و کرامت انسانی وی مناسب نباشد.

ریفورمها و پالیسی های صحی:

صحت و حفظ الصحه یکی از اولویت ها و اساسات رشد و انکشاف می باشد، زیرا صحت و رشد جامعه لازم و ملزوم یکدیگر اند. انسان صحتمند زیربنای رشد و انکشاف جامعه بشری می باشد.

طوریکه حفظ حیات بشر از مقاصد شریعت اسلامی است، جمعیت اصلاح اهمیت تأمین حفظ الصحه را برای شهروندان مهمتر از هر امر دیگری پنداشته در زمینه برنامه ریزی های لازم را هم در بخش وقایه و نیز علاج شهروندان از امراض، ضروری می داند؛ لذا بر تطبیق نکات آتی تأکید بسزای می کند:

۱. زمینه سازی تدریجی جهت فراهم شدن شرایط بیمه صحی به صورت آسان برای تمام شهروندان.
۲. افزایش مراکز صحی مجهز جهت عرضه خدمات مداوی بخصوص در قریه جات و مناطق دوردست، تا مشکلات شهروندان به صورت متوازن از این ناحیه کاهش پیدا کند.
۳. پشتیبانی و کمک جمعیت های خیریه به خاطر احداث کلینیک ها و شفاخانه های غیر انتفاعی برای عرضه

خدمات طبی به فقراء به صورت مجانی و یا با مصارف اندک و قابل پرداخت.

۴. طرح پلان های لازم به خاطر اعمار شفاخانه های مجهز دولتی و تعیین بودجه برای تربیت کادر های متخصص که مردم را از رفتن به خارج کشور جهت تداوی بی نیاز گرداند.

۵. هماهنگی بیشتر میان صحت عامه دولتی و بخش خصوصی به هدف عرضه خدمات صحی با کیفیت و برقراری روابط با شفاخانه ها و کانون های طبی منطقوی جهت تشریک مساعی و استفاده از تجارب.

۶. زمینه سازی برای تحقیق و ارزیابی در عرصه طب و طبابت تا خدمات صحی در کشور انکشاف یابد.

۷. رشد جانب اخلاقی و انسانی در مسلک طبابت و نشر ارزش هایی چون ترحم و امانت داری در رفتار منسوبین طبی، و وضع قوانین قاطع جهت جلوگیری از فساد، سهل انگاری و کوتاهی در وظیفه.

۸. نشر فرهنگ رعایت حفظ الصحه محیطی در میان مردم از طریق آموزش در مکاتب، پوهنتون ها، مطبوعات، منابر و همچنان آگاهی مردم جهت همکاری در جلوگیری از

آلوده شدن آب و هوا و حفاظت از جنگلات و فضای سبز و محیط زیست.

تطبیق اصلاحات اقتصادی:

قرآن کریم سرمایه را از اسباب قوام و دوام زندگی می داند. همچنان اقتصاد رکن اساسی استحکام دولت شمرده می شود. خیلی مشکل و حتی ناممکن است که اقتصاد یک کشور اسلامی نقش فعال خود را در راستای رشد و انکشاف فراگیر و همه جانبه، در سایه نظام اقتصادی بیگانه از آن جامعه و هویت و فرهنگ آن بازی نماید. بنا بر این نیاز به برنامه هایی است که از مبادی و ارزش های اسلامی سرچشمه بگیرد تا تمام توانمندی های روحی و قوای اجتماعی مردم را بسیج نماید و چنان سیاست اقتصادی جدی و جرأت مندانه ای را در پیش گیرد که بر واقعیت ها استوار باشد و توازن میان تولید و مصرف و عرضه و تقاضا را برقرار سازد، صادرات و واردات را متوازن سازد، مرحله ی تطور اجتماعی و اقتصادی و امکانات موجود در جامعه را در نظر داشته باشد تا صلح اجتماعی، رفاه اقتصادی و استقرار سیاسی متحقق شود.

رشد اقتصاد افغانستان به گونه بنیادی به سه عامل کلان

وابسته است: زراعت، معادن و خدمات. متأسفانه زراعت کشور طی یک و نیم دهه ی گذشته تغییر اساسی نکرده است؛ با وصف اینکه افغانستان یک کشور زراعتی است، هنوز هم به واردات بزرگ درین عرصه متکی می باشد. معادن ما هم در کشمکش میان مافیای مقتدر، شرکتهای آزمند و بی تفاوتی مسؤولین، حالت اسف باری و ما تا هنوز دقیقاً نمی دانیم که سرمایه های زیر زمینی ما چه اندازه است و چه چیزهایی را شامل می شود؟ چه رسد به اینکه ظرفیت استخراج آن ها را با امانت داری کامل داشته باشیم. البته در باب خدمات گامهای قابل ملاحظه ای برداشته شده و هنوز نیاز های زیادی در این عرصه موجود است.

علاج فقر و معیوبیت:

اسلام مسؤولیت سرپرستی و رعایت فرد و جامعه را اساساً به دوش دولت گذاشته است، تا آن جا که خلفای راشد اسلام، مسؤولیت گرسنگی فردی از افراد امت و حتی اذیت شدن یک حیوان به علت خرابی راه ها را به دوش خود می گرفتند.

این مسؤولیت فراگیر و همه جانبه دولت این نکته را از

نظر شارع دور نکرده است که در بعضی حالات ممکن است که اصلاً دولت وجود نداشته باشد، یا دولت موجود در وظیفه خویش تقصیر و کوتاهی نماید و یا عاجز و ضعیف باشد. در چنین حالاتی است که فرض‌های کفایی و یا واجبات اجتماعی مطرح می‌گردد تا مسؤولیت را به دوش مسلمانانی بگذارد که در صحنه حاضراند و توان ادای مسؤولیت خویش را دارند، تا ضررها را دور سازند، مشکل را برطرف کنند و جامعه را به سوی موفقیت سوق دهند.

از جمله فرض‌های کفایی: سرپرستی یتیمان، حمایت بیوه زنان، ایجاد تسهیلات برای معلولین و معیوبین، تقدیم خدمات غذایی و همچنان تعلیم و تربیت فقراء، جلوگیری از قرار گرفتن مستضعفان در معرض ظلم، ایجاد حرفه‌ها و صنعت‌های ضروری برای مردم، آموختن علوم که مردم به آن‌ها ضرورت دارند و کسب مهارت در این علوم می‌باشد. حتی امام غزالی مسلمانان عصر خود را به خاطر عدم آموختن علم طب که شدیداً به آن نیاز بود، مورد ملامت قرار می‌دهد. اگر خانواده‌ای گرفتار فاقه و گرسنگی شود، و دولت به آن رسیدگی نکند و اجتماعی نیز وجود نداشته باشد، مسؤولیت

رسیدگی به آن مستقیماً به دوش همسایه‌اش قرار می‌گیرد، چنانچه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در این مورد می‌فرمایند:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهِ» ۱۳.

(به من ایمان نیاورده است کسی که شب را سیر می‌خوابد در حالی که همسایه وی در کنارش گرسنه است و او از حالش آگاهی دارد).

علاج جدی مشکل فقر به صورت روشمند و برنامه ریزی شده؛ طوریکه اول میزان این پدیده بررسی شود و سپس مطابق واقعیت‌ها طرح‌ها و پلان‌های فقر زدایی با استفاده از امکانات دولتی و مردمی روی دست گرفته شود. سنجش هزینه‌های یک ماه مصارف یک فامیل عادی، کار آفرینی از خلال پروژه‌های تولیدی، ایجاد سیستم پیشرفته برای جمع‌آوری و تقسیم زکات و ایجاد مرکز هماهنگی میان منابعی که به نحوی در فقر زدایی می‌تواند کمک کند، گامهای مهمی در جهت فقر زدایی به حساب آمده می‌توانند.

۱۳- المعجم الكبير؛ از طبرانی. شيخ البانی حدیث مذکور را صحیح لغیره گفته است.

تنظیم نقش نهادهای جامعه مدنی:

ما به این باوریم که اصلاح، بیداری و بازسازی جامعه به مشارکت وسیع اقشار مختلف جامعه نیاز دارد، به همین خاطر جمعیت اصلاح کار و فعالیت از خلال نهادهای مدنی مانند: اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های طبی، تربیتی و خیری را تأیید نموده و آن را یکی از راه‌های اصلاح و تغییر جامعه و زمینه‌ساز برای پیشرفت و ترقی مملکت می‌داند.

- تجربه نهاد های مدنی به معنای واقعی آن، در بسا کشور های جهان توانسته است در بیداری مردم از حقوق شان و همچنان پاسخگویی مسئولین در برابر مردم نقش مؤثری داشته باشد. جامعه مدنی عبارت از همه افراد آگاه، درد مند و مسئولیت شناسی هستند که در قالب نهاد ها یا هم به صورت فردی در برابر نا هنجاری ها و نابسامانی ها صدا بلند کرده و در مطابقت با ارزشهای جامعه در جهت تخفیف آنها تلاش می ورزند. جامعه مدنی به صورت خود جوش و خود گردان قد علم می کنند، مصارف و بودجه از طرف خود آنها و یا هم افراد خیر جامعه تأمین می شود. متأسفانه جامعه مدنی در افغانستان هنوز به پختگی لازم نرسیده و در اکثر موارد خود جوش و خود

گردان نیز نمی باشد. بنا براین ما باید در جهت سامان دادن به جامعه مدنی و تأثیر گذاری آن در جامعه تلاش کنیم و این مأمول از طرق ذیل به دست آمده می تواند:

- معرفی علمی جامعه مدنی به مردم و مشخص کردن محدوده صلاحیت ها و مسؤولیت های آن در روشنای قوانین نافذ کشور و جلوگیری از فعالیت مؤسساتی که با سوء استفاده از نام جامعه ی مدنی فقط به فکر بدست آوردن منابع مالی از مراجع مشبوه هستند تا آن را در جهت ترویج ناهنجاری های اخلاقی مخالف با ارزشهای وطنی و اسلامی مصرف کنند.

- تضمین آزادی فعالیت اتحادیه ها و شهروندان در تنظیم امور خویش به وسیله ی برپایی سازمان ها و مؤسسات مدنی بر مبنای مردم سالاری و شورائیت در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

- پشتیبانی از فعالیت های خیریه در چوکات نهاد های مردمی و تقویت نقش مساجد به عنوان قوی ترین نهاد های تنظیم کننده امور جامعه اسلامی و سازماندهی کمک ها در جهت رفع نیاز های اجتماعی با استفاده از تجارب و وسایل

روز.

د- اعاده ی اعتبار و حیثیت وقف اسلامی که از طریق آن ساختن راه‌ها، مساجد، شفاخانه‌ها دارالایتم‌ها و تقدیم معاونت به فقراء و بیچارگان صورت می‌گیرد. و همچنان ترویج فرهنگ قرض حسنه تا بدیل مناسبی باشد در برابر شیوع معاملات ربوی که تحت نام قرضه های کوچک سود خواری را در میان طبقات محروم جامعه ترویج می نماید.

تقویت نقش علماء در جامعه

{إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ}
[فاطر ۲۸]

ترجمه: «از بندگان الله تنها دانایانند که از او می‌ترسند
بدون شک الله با عزت و آمرزنده است»

«الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»

ترجمه: «علماء وارثان پیامبران اند»

علماء واقعی وارثان پیامبران بوده و جایگاه بزرگی در دعوت حکیمانه به سوی الله، موعظه حسنه، امر به نیکی و نهی از بدی دارند، همچنان علماء در محافظت از هویت اسلامی،

^{۱۴}: سنن ابوداود.

تقویت ارزش‌های انسانی و تحقق صلح و امنیت در جامعه نقش اساسی دارند.

علمای دین به عنوان رهبران معنوی ما، در کشاندن جامعه به ساحل خوشبختی و نجات نقش تعیین کننده دارند. متأسفانه دسائس آشکار و پنهان دشمنان اسلام از یک طرف و غفلت و کم کاری برخی از علماء از طرف دیگر، سبب شده تا این نقش بدرستی انجام نیافته ساحة فعالیت علماء در محدوده احوال شخصی و ساحة میان مسجد و قبرستان منحصر باقی بماند. و از همه درد آورتر، وجود اختلاف میان علماء و درگیر شدن آنها در مسائل جزئی و فرعی با همدیگر است که متأسفانه دامنه آن به عامه مردم نیز توسعه یافته اخوت اسلامی و وحدت دینی بین آحاد ملت را شدیداً متضرر ساخته است. جمعیت اصلاح افغانستان آرزومند است، تا علماء جایگاه مناسب خویش را در جامعه احراز نموده باعث اتفاق مردم و سبب نجات جامعه از بدبختی های موجود گردند و به خاطر تحقق این مأمول اقدامات ذیل را ضروری می داند:

- تضمین آزادی عمل برای علماء، خطباء و واعظان تا مبادی اسلام، ارزش‌های اخلاقی و اموری را که اسلام برای

تنظیم زندگی و حل مشکلات جامعه ارائه نموده است با اطمینان کامل به مردم برسانند.

- دور کردن فشار های معیشتی نا مرئی از شانه های علماء تا بتوانند رسالت خود را در هدایت مردم و مقابله با رذایل و منکرات به درستی اداء نمایند.

- ایجاد هماهنگی و وحدت عمل میان علماء و اصلاح خطاب دینی طوریکه سبب اتحاد و اتفاق میان مردم و باعث تحکیم صلح و امنیت در جامعه گردد.

- بلندبردن توانمندی های علماء و واعظان و ایجاد زمینه های مناسب به خاطر رشد مهارت های ایشان.

- بهترسازی وسایل وعظ و ارشاد و ایجاد زمینه های استفاده از تکنالوژی جدید در این راستا.

- اختصاص بودجه ی کافی در اثنای ساختن بودجه ی ملی، غرض تکافوی معیشت ملا امامان، مساجد، خطباء و واعظان.

مساجد به حیث مراکز هدایت و ارشاد جامعه:

{وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا} [الجن ۱۸].

ترجمه: «و مساجد ویژه الله است پس هیچ کس را با خدا

مخوانید».

این یک مسئولیت همگانی است تا اهمیت و جایگاه مساجد را برجسته ساخته و از منبر در جهت هدایت و خیر مردم استفاده نیکو نماییم. جمعیت اصلاح خواهان آنست تا رسالت و جایگاه مساجد در سامان دادن به امور اخلاقی و ارزشی جامعه از طریق راهکارهای ذیل مؤثر تر شود:

۱. جایگاه مسجد در جامعه تقویه گردیده به مراکز واقعی عبادت و هدایت مبدل گردند.

۲. مساجد ما درکنار ادای نماز باید به دروس قرآن و حدیث، آموزش احکام دین و ترویج اخلاق اسلامی آباد باشند.

۳. ملت باید طوری به مسجد مرتبط ساخته شود که حل مشکلات اجتماعی کلان خود را در آن بیابد.

۴. مساجد باید به مراکز اخوت و اتفاق مردم مبدل گردیده از اشاعه اختلافات فرقوی و مسلکی از طریق منابر که سبب ایجاد نفرت ها و کدورت میان مردم می شود، جداً خود داری شود.

۵. در مساجد جامع مواعظ و خطبه ها باید مطابق ضرورت های مردم و با آمادگی کامل ارائه گردد تا تأثیرات آن

در هدایت و رهنمایی مردم مشهود گردد.

در رابطه به نقش جوانان در جامعه

جوانان، نیروی فعال جامعه به حساب می‌آیند، و ایشان‌اند که حال و آینده جامعه را می‌سازند. خوشبختانه بررسی روند رشد نفوس نشان می‌دهد که نیروی جوان کشور رو به افزایش است. ۶۰ فیصد افغانها زیر ۳۵ سال قرار دارند و تقریباً ۲۵ فیصد تمام نفوس کشور بین سنین ۱۸ الی ۳۵ سال قرار دارد. بنابراین قشر جوان همان‌گونه که از نگاه نوعیت و کیفیت در جامعه حضور دارند، از نگاه کمیت نیز حضور شان بارز است.

جوانان توان فوق العاده، وقت کافی و افکار آرمانی دارند، و اگر به خوبی رهنمایی شوند و زمینه‌های پیشرفت در برابرشان گشوده شود، این توانمندی و آرمان‌گرایی‌شان به کار تولیدی مثبت، علم و انکشاف تحول می‌یابد. اما اگر به صورت نادرست توجیه شوند و فرصت‌های پیشرفت از ایشان گرفته شود، حتماً این توانایی‌های شان در راه ویران‌کاری، فساد و بیهودگی ضایع می‌گردد. پس جوانان باید مثال زنده و متحرک ارزش‌های اسلامی شوند تا امکانات ساختن شخصیت خویش

را به دست آورده، موجودیت خویش را تثبیت نمایند و در اعمار وطن خویش سهمی گردند. فرصت های مناسبی باید ایجاد گردد تا جوانب روحی، فکری، بدنی، اجتماعی و علمی جوانان به شکل متوازن رشد یابد.

جمعیت اصلاح به کودکان و نو جوانان کشور نیز توجه جدی داشته از اولیای امور و همه هموطنان می خواهد تا شرایط لازم را جهت تعلیم و تربیه ی معیاری ایشان فراهم نموده از ضایع شدن اوقات آن ها جلوگیری نمایند.

فرصت نقش آفرینی برای زنان

اسلام جوهر انسانیت و وحدت آفرینش را در وجود مرد و زن یکسان دیده و آن دو را در کرامت و مسؤولیت انسانی با هم مساوی می داند، زیرا زنان همتای مردانند؛ بنا بر این زن و مرد در اصل احکام شرعی - به جز استثنائاتی که از طرف شارع حکیم تعیین شده است - با هم مساوی اند. زن مخلوق عاقل و رشید و مخاطب احکام الهی در قرآن و سنت است و مانند مردان مکلف می باشد و مسؤولیت کامل دارد. مسؤولیت های جنایی و مدنی او مانند مردان بوده، ذمه مالی کامل دارد؛ و تمام تصرفات و معاملات مالی او صحیح و نافذ

بوده نیازی به موافقت شوهر، پدر، برادر و غیره ندارد. جامعه ما شدیداً محتاج قیادت های نسایی ای است که بدور از دیدگاه های افراطی و تفریطی دارای شخصیت متوازن در روشنی قرآن و سنت و سیرت سلف صالح بوده توان ایستادگی در برابر مدل های وارداتی و تحمیلی در جامعه را داشته باشند. در صورت مساعد بودن شرایط امنیتی و با رعایت حدود وضوابط دینی، زنان مانند مردان حق مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی مانند: مشارکت در انتخابات پارلمانی، محلی و اتحادیه های صنفی و غیره را دارند، همان طور که می توانند عضویت این مجالس را داشته باشند. با در نظر داشت پدیده جهانی شدن و ظهور چالشهای جدید در برابر زنان کشور، لازم است تا شرائط مصوون جهت مشارکت زن در فعالیتهای دعوتی و اجتماعی فراهم گردیده رفتن آنان به مساجد جهت ادای عبادت و به خاطر استماع مواعظ و خطبه ها تشویق و تسهیل گردد. مساجد ما باید نقش کلیدی ایرا در جهت معرفی و دفاع از حقوق و آزادیهای مشروع زن، ایفاء نمایند.

ما باور داریم که حقوق زنان آنگونه که اسلام برایشان

تعیین نموده، در جامعه ما به آنها داده نمی شود. ما در راستای رسانیدن حقوق واقعی زنان افغان به آنها و فراهم نمودن زمینه های آن تلاش می نماییم. در عین حال با سوء استفاده از شعار حقوق زن و بکار گیری آن در راستای تخریب شخصیت زن افغان مخالف می باشیم. همچنان، هر نوع خشونت علیه زن و مصادره حقوق شرعی و قانونی وی چون محرومیت از حق میراث، ازدواج اجباری و محرومیت از حق تعلیم را محکوم نموده و علیه آن مبارزه می نماییم. ما خواهان آنیم تا شخصیت زن در جامعه احترام گردیده مشکل آزار و اذیت های خیابانی، وظیفوی، تحصیلی و غیره (که متأسفانه روز تا روز بیشتر شده می رود) باید به صورت اساسی علاج گردد.

در عین حال، ما مخالف سوء استفاده از عنوان خشونت علیه زن و بکار گیری این شعار در جهت متزلزل ساختن نظام خانواده و تحریک زن علیه ارزشهای متعالی اسلام و ارزشهای پسندیده ملی می باشیم.

ما از حجاب به عنوان یک ارزش اسلامی حمایت قاطع می نماییم و باور داریم که حجاب زن هیچگاه فعالیت اجتماعی وی را محدود نمی سازد، بلکه شخصیت زن را

حمایت نموده و حضورش را در جامعه مصئونیت می‌بخشد.

استحکام خانواده:

خانواده اولین مؤسسه اجتماعی است که انسان زندگی خود را در آغوش آن آغاز می‌کند و از همان جا ارزش‌های اخلاقی را کسب می‌نماید. ما مجدانه می‌کوشیم تا کیان خانواده را حفظ نموده و رشته‌های پیوند بین اعضای آن را تقویت کنیم و از هر نوع گسیختگی و انحلال آن جلوگیری نماییم. ما در راستای استحکام خانواده به شخصیت زن توجه جدی نموده در تربیت روحی، عقلی و جسمی آن تلاش می‌نماییم تا به عنوان مادران آگاه و همسران موفق در جامعه تبارز نمایند. همچنان به مردان توصیه می‌کنیم تا به مسئولیت‌های خویش در قبال خانواده پایبند بوده در ادای حقوق همسران و اطفال خود کوتاهی ننمایند. تربیت اولاد و تنظیم امور خانواده از وظایف مهم و اساسی زن می‌باشد و بعد از آن در توانمندی و وقتی که زن دارد، جامعه حق داشته و جایب و مسئولیت‌هایی به دوش‌شان قرار گرفته که دائرة آن بر اساس توانمندی و شرایط هر زن و ظروف جامعه و مراحل پیشرفت آن فرق می‌کند.

واما مرد، در کنار کار در بیرون جهت فراهم آوری نفقه و سرپرستی از خانواده، باید در تربیت اولاد همکار زن بوده و در امور خانه به حد توان سهمگیری نماید. البته فرزندان نیز به نوبه خود نقش تعیین کننده ای در استحکام خانواده دارند، اگر از یک جانب اطفال مکلف به احترام والدین و اطاعت درست از آنها می باشند، از جانب دیگر، والدین و بزرگان فامیل نیز مکلف اند تا در برابر ایشان مسئولانه برخورد نموده و حقوق انسانی شانرا اداء نمایند. به نظر ما خانواده موفق خانواده ای است که افراد سالم (از لحاظ جسمی و روانی) را تقدیم جامعه نماید، نه افرادی که در اثر لت و کوب و توهین و تحقیر در محیط خانوادگی، عقده مند بار آمده، شخصیت شان ضعیف و بار دوش جامعه گردند.

رابطه و پیوند زن و مرد رابطه ای تکاملی است نه رابطه ای مبتنی بر کشمکش، رقابت و برخورد؛ چنانچه بعضی هواداران غرب و مبلغین حرکت های فیمنستی تبلیغ می کنند. به باور

ما «میثاق خانواده»^{۱۵} که در سال ۲۰۱۶م توسط انستیتیوت بین المللی خانواده تصویب و صادر گردیده است طرح متوازنی به خاطر تعیین جایگاه اجتماعی و سیاسی زن در جوامع اسلامی می باشد. پایه ی اساسی خانواده ی مسلمان را محبت، ترحم و احترام متقابل تشکیل می دهد. و زمانی که خانواده به فقدان محبت و احترام متقابل گرفتار شد و زندگی باهمی و دوستانه ناممکن گردید، در آن صورت طلاق از جانب مرد و حق خُلع از جانب زن یگانه وسیله ای است که دو طرف را از کشمکش دائمی نجات می دهد. مشارکت زن با مرد در فعالیت های مختلف زندگی امر لابدی به حساب می آید و اسلام این نوع مشارکت را گناه به حساب نمی آورد بلکه آداب شرعی آن را وضع می کند، چنانچه در میدان های دیگر زندگی چنین آدابی را وضع نموده است.

^{۱۵}: این میثاق در اسطنبول ترکیه به تاریخ ۲۰۱۶/۴/۶م تصویب گردیده است، که متن عربی آن در سایت «دنيا الوطن» www.alwatanvoice.com و سایت های دیگر نشر کرده است.

خاتمه:

این بود خلاصه ای از آرمانها، دیدگاه ها و مواقف جمعیت اصلاح افغانستان که جهت آشنایی بهتر با این جریان اجتماعی - اصلاحی با در نظر داشت مقتضیات مرحله کنونی خدمت هموطنان عزیز و گرامی تقدیم گردید.

امیدواریم در چاپ های بعدی با عناوینی جدید و موضوعاتی تازه پاسخگوی سؤالات جواب ناشده خوانندگان گرامی بوده باشیم.

و الله هادی إلى سواء السبيل

فهرست موضوعات

عنوان.....صفحه

۲.....	مقدمه
۳.....	اهداف:
۴.....	وسائل:
۱۰.....	بنیاد های فکری اصلاح
۱۹.....	بنیادهای طرح اصلاحی ما
۱۹.....	اول - اسلام:
۲۹.....	دوم - عدل:
۳۱.....	سوم - آزادای:

۳۳.....	چهارم - مساوات:
۳۵.....	ضوابط زیست باهمی
۳۵.....	اول - احترام به دیگران:
۳۵.....	دوم - اخلاق نیکو:
۳۶.....	سوم - تعاون و همکاری:
۳۹.....	قضایا و مواقف
۳۹.....	دیدگاه ما در مورد حکومت و حکومت داری
۴۱.....	تنوع قومی، مذهبی و تعدد دینی:
۴۵.....	خشونت و تروریزم:
۵۱.....	دیدگاه ما در مورد حقوق بشر:
۵۲.....	راه شناخت احکام:
۵۴.....	اصلاح همه گیر
۵۵.....	بنیاد های اصلاح اجتماعی:
۶۰.....	عرصه های اصلاح
۶۰.....	سیاست و حکومت داری:
۶۲.....	اصلاحات اداری و مبارزه با فساد:
۶۳.....	در عرصه ی فرهنگ و رسانه ها:
۶۵.....	در بخش تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی:
۷۲.....	اصلاحات قانونی
۷۳.....	در عرصه حاکمیت قانون:
۷۵.....	در بخش خدمات:
۷۷.....	حمایت از کار و کارگر:
۷۹.....	ریفورمها و پالیسی های صحی:

- ۸۱.....تطبیق اصلاحات اقتصادی:
- ۸۲.....علاج فقر و معیوبیت:
- ۸۵.....تنظیم نقش نهادهای جامعه مدنی:
- ۸۷.....تقویت نقش علماء در جامعه
- ۸۹.....مساجد به حیث مراکز هدایت و ارشاد جامعه:
- ۹۱.....در رابطه به نقش جوانان در جامعه
- ۹۲.....فرصت نقش آفرینی برای زنان
- ۹۵.....استحکام خانواده:
- ۹۸.....خاتمه:
- ۹۸.....فهرست موضوعات